

مقاله پژوهشی: پیوند محله ای و احساس ترس از جرم (مورد مطالعه شهروندان بالای ۱۵ سال شهرستان کاشان)

زهرا طاهری^۱، زهرا نعمت الهی^۲ و سعید سلطانی بهرام^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۰۸

چکیده

از دید بسیاری «ترس از جرم» به عنوان یک مسئله مهم شهری شناخته می‌شود. زمانی که یک شهر با بی‌نظمی و اختلال مواجه شود، باعث بروز احساس ناامنی در بین شهروندانش می‌شود. تاثیر عوامل پیوند محله‌ای نقش مهمی در کاهش احساس ترس از جرم داشته و هدف اصلی این پژوهش پرداختن به آن می‌باشد.

پژوهش از نظر هدف؛ کاربردی، ماهیت داده‌ها؛ کمی و ابزار گردآوری پرسشنامه محقق ساخته که اعتبار و اعتماد آن تایید شده و با نمونه‌گیری سهمیه‌ای در مناطق ۵ گانه شهرداری کاشان با تعداد ۳۰۴,۴۸۷، و حجم نمونه ۳۸۴ نفر تکمیل شده است. تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS انجام گرفته است. نتایج نشان می‌دهد که عوامل پیوند محله‌ای (حس تعلق مکان، سرمایه اجتماعی و نقش پلیس) در کاهش احساس ترس از جرم شهروندان تاثیرگذار بوده است. در رابطه با متغیرهای آسیب‌پذیری (جنس، سن، منطقه محل سکونت و پایگاه اجتماعی-اقتصادی)؛ زنان و افراد با گروه‌های سنی بالا احساس ترس از جرم بیشتری را عنوان کرده‌اند. میانگین احساس ترس از جرم در مناطق شهر متفاوت ولی در پایگاه اجتماعی-اقتصادی تفاوتی مشاهده نگردید. در تحلیل رگرسیون چندمتغیره به ترتیب اثرگذاری مجموع متغیرها، بیشترین تاثیر متغیر سرمایه اجتماعی و به ترتیب، فضای شهر، نقش پلیس و حس تعلق مکان در تبیین متغیر وابسته نقش داشته‌اند.

کلیدواژه‌ها: احساس ترس از جرم، حس تعلق مکان، سرمایه اجتماعی، نقش و حضور پلیس، پیوند.

^۱ استادیار گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی، قزوین، ایران.
(نویسنده مسئول) رایانامه: z.taheri@soc.ikiu.ac.ir

^۲ دانشجوی دکتری رشته جامعه‌شناسی، گرایش بررسی مسائل اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران. رایانامه: Knematollahiz@gmail.com

^۳ استادیار گروه جامعه‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران. رایانامه: s.soltani@urmia.ac.ir

مقدمه و بیان مسئله

واژه امنیت از امن، اخذ شده و امن در اصل آرامش خاطر آرامش نفس و از بین رفتن بیم و هراس را گویند. امنیت در لغت به معنای نداشتن دلهره و دغدغه است؛ بنابراین، معنای لغوی آن، رهایی از تشویش اضطراب ترس یا احساس آرامش و اطمینان خاطر است؛ همچنین، در معنای عینی فقدان تهدید نسبت به ارزش‌های کسب شده می‌باشد و در معنای ذهنی؛ یعنی فقدان هراس از اینکه ارزش‌های مزبور مورد حمله قرار گیرد. احساس امنیت پدیده روان‌شناختی-اجتماعی که این احساس ناشی از تجربه‌های مستقیم و غیرمستقیم افراد از شرایط اوضاع و از متغیرهای اصلی احساس امنیت سرمایه اجتماعی و جزء اصلی آن اعتماد است که در صورت وجود آن روابط میان خانواده‌ها، دوستان و به‌طور کلی جامعه روابطی مؤثر خواهد بود و عدم وجود آن با رفتارهایی چون اعمال خشونت جرم و ... و در نتیجه احساس ناامنی توأم است (فرهادی‌خواه و همکاران، ۱۳۹۸).

احساس امنیت اجتماعی را می‌توان از حیث فراگیری نیز، امنیت عمومی برشمرد که حوزه‌های امنیت جمعی و گروهی را پوشش می‌دهد. منابع تأمین‌کننده احساس امنیت، برای افراد و گروه‌های مختلف جامعه متفاوت است. در سطح کلان؛ ساختار کلی جامعه و ایمن بودن آن از حوادث طبیعی و سقوط نظام‌های سیاسی، از عمده منابع تأمین احساس امنیت هستند. در سطح میانه؛ روابط میان نهادهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه و چالش بین گروه‌ها و جناح‌های مختلف از زمره منابعی هستند که احساس امنیت را در افراد شکل می‌دهند. در سطح خرد؛ روابط افراد جامعه در حوزه امور روزانه و تجربه‌های آنها از پدیده‌هایی چون سرقت، قتل و جرم، از منابع تأمین احساس امنیت هستند که بر شکل‌گیری احساس امنیت نزد افراد مؤثر است (بخشنده‌زحمتی، بهیان و حقیقتیان، ۱۳۹۹).

«ترس از جرم» یا «احساس ناامنی» به عنوان یک مسئله شهری بر نارضایتی شهروندان، نیز تأثیر به‌سزایی دارد. شهر به دلیل داشتن موقعیت زیستی که حجم متراکمی از افراد متفاوت را در خود جای داده است؛ زمانی قادر به انجام نقش‌های متفاوت خود می‌باشد

که توان برقراری امنیت قابل قبولی را برای ساکنان خود فراهم آورد. اگر امنیت اجتماع برقرار نگردد، این امر موجب برهم زدن نظم و عدم کارایی شهر شده و پیامد آن، منجر به ایجاد احساس ناامنی می‌گردد (هال؛ ۲۰۰۹). در اواخر دهه ۱۹۶۰، ترس از جرم به مساله مهم اجتماعی تبدیل و توجه ویژه علمی و اجتماعی را جلب کرد. همچنین رسانه‌های جمعی توجه خود را به مقولاتی چون ترس و دلهره از فضای شهری، ترس از جرم، ترس از حضور دیگران و تشدید ترس معطوف نمودند (فوردی؛ ۲۰۰۷). براساس مطالعات انجام شده در این زمینه، ترس از جرم در شهرهای بزرگ و پرجمعیت موجب محدودیت در تردد مسافرت‌های درون‌شهری و برون‌شهری شهروندان، ایجاد فشار بر انجام تعهدات و سخت‌تر کردن فعالیت‌هایی افراد شده است که همین امر باعث رشد اضطراب و افسردگی، عدم اعتماد افراد به یکدیگر و برهم زدن سلامت و رفاه جامعه می‌شود (نیکلسون؛ ۲۰۱۰). همچنین باعث نابودی نگرش مثبت به جامعه، بدنامی افراد محروم و فقیر و کسانی که از هنجارهای جامعه متفاوت هستند، نیز می‌شود (دیسون؛ ۲۰۱۱).

احساس امنیت، تولید اجتماعی است که نهادهای اجتماعی و ارکان جامعه (مردم، حاکمیت و پلیس) در تولید و ارتقای آن نقش کلیدی دارند، هرچند خود فرد و ویژگی‌های اجتماعی و شخصیتی او، در ایجاد این احساس موثرند (مسلمی و فاضلی، ۱۳۹۷). در دهه‌های اخیر نیروی انتظامی تلاش نموده با انتخاب رویکرد جامعه‌محوری به بازسازی ساختارها و روش‌های اجرایی در ماموریت‌های محوله و توجه به روش‌های نرم افزاری در تامین امنیت از ظرفیت‌های اجتماعی در تولید، حفظ و ارتقاء نظم و امنیت شهروندان بهره‌جوید (کرم‌زاده و عرفانی، ۱۳۹۶). کلارک و نیکلسون نیز بر این عقیده‌اند که؛ عنصر ترس از جرم در بین شهروندان، باعث از بین رفتن باور عمومی به توانایی پلیس در مدیریت کاهش جرایم و کنترل مجرمین، شده است (نیکلسون، ۲۰۱۰).

۱ Hale

۲ Furedi

۳ Nicholson

۴ Deason

احساس امنیت از مهمترین مؤلفه‌های کیفیت‌بخش به فضاهای عمومی شهری است. به این معنا که نداشتن امنیت در کنار وجود همه ابعاد کیفی در یک فضای عمومی شهری، بیان‌گر عدم موفقیت کارکردی آن فضا است. فضاهایی مانند بازار، خیابان و پارک از میان انواع فضاهای عمومی شهری به سبب ماهیت و موقعیت ویژه‌ای که دارند انتظار می‌رود کیفیت بهتری را به لحاظ امنیتی ارائه دهند. چراکه مردم از حضور در فضاها و محیط‌های بی‌کیفیت که احساس خطر و آسیب‌کنند؛ دوری گزیده و این مکان‌ها به تدریج به مکان‌های ناامن تبدیل می‌شوند. ایجاد محیطی که مردم در آنها بدون واکنش پیاپی روی کنند، باعث افزایش تعداد چشم‌های ناظر و همین امر باعث افزایش کیفیت محیط می‌شود (لو، یاو، فو، لو و مو، ۲۰۱۹؛ رانا، یانگ کوان، ژانگ و لیک، ۲۰۱۹؛ به نقل از: احمدی و خوند، ۱۳۹۸). فضای شهری نیز با وجود جوانب فیزیکی و کالبدی‌اش نوعی فضای ادراکی، نمادین، مادی و حقیقی، خصلتی نظام‌مند و ماهیتی مرکب دارد که با زمان اجتماعی و فرهنگی هر جامعه‌ای پیوندی ناگسستنی داشته و نسبت فرهنگی و اجتماعی جامعه در ادراک آن مؤثر می‌باشد. فضای شهری علاوه بر جایگاه کلیدی‌اش در ساخت کالبدی شهر به واسطه فضای ادراکی و نمادینش، حامل میراث تاریخی و فرهنگی جامعه و انتقال‌دهنده ارزش‌های مشترک جمعی، فرهنگ‌های محلی و مدنیت شهری است. بنابراین، فضای شهر با راهبردهای اجتماعی درگیر و همین عامل آن را بیش از جوانب کالبدی-فیزیکی، به یک پدیده اجتماعی مبدل کرده است (پارسی، ۱۳۷۹: ۴-۵). در این زمینه برخی از محققان در مفهوم (ماتئوز؛ کلینگ و کلوز)^۳ یا در ارزیابی (لاگرانگ، فرارو و سوپانیک) بین خشونت-ها و بی‌تمدنی‌های اجتماعی (رفتارهای اجتماعی مخرب) و فیزیکی (محیط‌های ناهنجار) تفاوت آشکاری قائل و معتقدند بی‌تمدنی‌های اجتماعی بیشتر پیش‌بینی‌کننده احساس

^۱ Lu, Yao, Fu, Lv & Mao

^۲ Ruana, Yongquan, Zhangb & Liuc

^۳ Matthews, Kelling & Coles

نامنی از رهگذر درک خطر هستند تا خود واقعی خطر (به نقل از: لاگرانگ و همکاران^۱، ۱۹۹۲)، البته بعضی فضاهای شهری (مانند: خوابیدن بی‌خانمان‌ها و معتادین در کنار خیابان، نبود نور کافی و نبود پیاده‌رو در اتوبان‌ها) زمینه‌ساز ترس بیشتری می‌باشند. در سال ۱۹۷۲ اسکار نیومن نظریه فضای قابل دفاع^۲ خود را به عنوان ابزاری برای کاهش جرم در نواحی شهری ارائه نمود. به نظر او فضاهای دارای امکان دیدن و دیده‌شدن فعالیت‌های مجرمانه، ظرفیت کمتری برای ارتکاب جرائم فراهم می‌آورند. این‌طور استنباط می‌شود که نرده‌ها و پرچین‌ها می‌توانند به عنوان موانع فیزیکی تلقی و وجود چنین نشانه‌های دیده‌بان محله‌ای، حاکی از نظارت مردم بر یکدیگر و مواظبت از همدیگر باشد (اسشیوتزر^۳؛ ۱۹۹۷). برای مثال، دارابودن ویژگی‌های متنوعی در شهرهای بزرگ همچون: انسجام اجتماعی ضعیف، اعتماد ضعیف، جمعیت و تراکم مناطق مسکونی، اخلاق، سن، ناهمگنی درآمد، ترافیک سنگین و ... می‌تواند منشا ایجاد ترس باشد (رناتو و همکاران^۴؛ ۲۰۰۴).

تعلق مکانی در مردم به واسطه مکانی که در آن به دنیا آمده و رشد کرده‌اند، شکل می‌گیرد. در واقع این نوع ارتباط با مکان، مردم را به گونه‌ای ماندگار، تحت تأثیر قرار می‌دهد و خاطره مکان، هویت انسان را غنا می‌بخشد (فلاحت، ۱۳۸۴). تجربه‌های مثبت، رخدادهای خاص و خاطرات مثبت همگی در ایجاد تعلق مکانی مؤثرند. ارزیابی مثبت نیز در ایجاد تعلق مکانی تأثیر دارد (رضازاده، ۱۳۸۲). بدین ترتیب داشتن تصویر ذهنی کامل از پدیده فضایی به منزله ادراک منطقی آن و در صورت استمرار، موجب احساس این‌همانی و این‌همانی باعث احساس من و ما در محیط، احساس امنیت، آسودگی خاطر و اعتماد به نفس و تطبیق‌پذیری و سازگاری با فضاست (زادرفیعی، ۱۳۸۴). بنابراین شهروندان می‌توانند با احساس تعلق، فضای شهری را متعلق به خود دانسته و بدون احساس ترس،

^۱ Lagrange

^۲ O. Newman

^۳ Defensible Space

^۴ Schweitzer

^۵ Renato

اضطراب یا خجالت از آن بهره برند. از طرف دیگر، «فرضیه آسیب‌پذیری» که به تبیین ترس از جرم می‌پردازد، آسیب‌پذیری را در رابطه با متغیرهای اجتماعی و شخصی و موقعیتی در نظر می‌گیرد. متغیرهای شخصی مانند: جنس سن، پایگاه اجتماعی-اقتصادی (گرت، بی تا: ۳)^۱ و متغیرهای مشخص‌کننده موقعیت اجتماعی شامل: «وضعیت تأهل»، «با دیگران یا به تنهایی زندگی کردن»، «نوع مذهب»، «داشتن ملک یا مستاجر بودن»، و «مدت سکونت» (همان: ۵) و نیز خصوصیات فردی شامل: شکل فیزیکی، نقص عضو فیزیکی، وزن و اعتماد به نفس (عبداللهی و صنمی، ۱۳۹۹). فرضیه آسیب‌پذیری به ویژگی‌های شخصی توجه می‌کند که در رابطه با درک مفهوم خطر، جدیت رویدادها، حوادث، کمبود و فقدان کنترل شخصی، پیامدها و آسیب‌های یکسان ندارد (مک کرو و همکاران، ۲۰۰۵).

بررسی‌های ادبیات پژوهش نشان می‌دهد که در ایران، مطالعات متعددی در مورد ترس از جرم/ احساس ناامنی و به‌ویژه در رابطه با فضای شهری صورت گرفته‌است، اما یا عمدتاً بر یکی از ابعاد فضای شهری (کالبدی-اجتماعی) متمرکز شده و یا اینکه عوامل موثر بر پیوند محله‌ای و ارتباط آن با کاهش احساس ترس از جرم را در این خصوص، به‌طور ویژه مورد توجه قرار نداده‌اند (یا صرفاً تک عاملی یا تک جنسیتی بررسی شده است).^۳ از این رو، با توجه شکاف یا خلأ مطالعاتی در این باره، و نیز ویژگی‌های شهر کاشان که از جمله شهرهای سنتی- قدیمی و مذهبی ایران بوده و در این سال‌ها با توسعه شهرنشینی و مهاجرت روستاییان به این شهر و ایجاد بافت جدید، دگرگونی‌هایی در مناطق مختلف آن پدید آمده، مقوله احساس امنیت مورد توجه ویژه می‌باشد. لذا پژوهش حاضر درصدد است تا تاثیر عوامل پیوند محله‌ای مانند سرمایه اجتماعی، حس تعلق مکانی، حمایت و نظارت اجتماعی که توسط پلیس انجام می‌گیرد را در کاهش احساس ترس از جرم در بین تمامی شهروندان مناطق مختلف کاشان مورد بحث و بررسی قرار دهد.

۱ Gert

۲ McCrea

۳ پیشینه تحقیق گواه بر این ادعاست.

۱. مبانی نظری

الف- تعریف مفاهیم

احساس ترس از جرم/ احساس ناامنی: ساکو ترس از جرم را به عنوان شکلی از اختلال روانی، اختلال در تعامل اجتماعی درون جامعه، کاهش کیفیت زندگی، محدود کردن دسترسی به فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی تعریف می‌کند که علاوه بر اینها، بر قابلیت زندگی و زندگی روزمره ساکنان شهر نیز اثرات منفی می‌گذارد. از جمله فضاهای شهری که در آن ترس از جرم بسیار درک شده از آن یاد می‌شود؛ متروهای تاریک، خیابان‌های اطراف مترو، خیابان‌های خاموش و کم‌نور، کوچه‌های باریک و دراز، پارک‌های خالی، جنگل‌های متراکم (تاندوگان و سیمسک، ۲۰۱۶). ترس از جرم، واقعیتی اجتماعی و سیاسی است و نتایج محسوسی برای زندگی در شهرهای بزرگ دارد. هزینه‌های ترس، دو سطح فردی و جمعی دارد. ترس از جرم، پیامدهای ناخوشایندی برای افراد داشته و باعث احساس بی‌اعتمادی، عدم امنیت و آسیب‌پذیری در افراد می‌شود. ترس، باعث محبوس شدن مردم در خانه، کاهش اعتماد به همسایگان به‌خصوص در ارتباط تعامل و بازی فرزندان آنها با یکدیگر شود (به نقل از: کاویانی و پورقهرمانی، ۱۳۹۵). همچنین می‌توان آن را در ارتباط با اضطراب و احساس خطر، ترس از غریبه و نگرانی از فروپاشی امنیت و اخلاق در محل سکونت برشمرد. به‌طورکلی می‌توان ترس از جرم را احساس خطر یا ترس ناشی از آگاهی از خطری که می‌تواند موجب آسیب و خسارت گردد، تعریف کرد. ترس در ارتباط با تجربه واقعی و مورد انتظار از تجربه وقوع جرم، به دو نوع کلی، ترس واقعی و ترس پیش‌بینی شده تقسیم می‌شود. ترس واقعی احساسی است که فرد مستقیماً در برخورد با جرایم، قربانی می‌شود، مانند وقتی که از شخصی دزدی شود و یا مورد آزار و اذیت قرار گیرد، اما زمانی ترس پیش‌بینی شده اتفاق می‌افتد، که شخص از وقوع یک فعل مجرمانه در ذهن واهمه داشته باشد. این نوع ترس عمدتاً ناشی از تجارب گذشته، وجود تهدیدی واقعی یا غیرواقعی از قربانی شدن

ناشی می‌شود. مفهوم ترس از جرم به نوع دوم (ترس پیش‌بینی شده) می‌پردازد، و عوامل مؤثر بر سطوح این ترس را بر افراد و جامعه مورد مطالعه قرار می‌دهد (نیکلسون، ۲۰۱۰).

- نقش و حضور پلیس: نقش ذاتی و اصلی پلیس برقراری نظم عمومی است. تاثیر مستقیم حضور پلیس در محل زندگی به کاهش درک خطر احتمالی از جرایم و کاهش ناامنی، از طریق توانایی جمعی بالا و رضایت خاطر از محل زندگی به وجود می‌آید. چنانچه هانتر، بورسیک و گراسمیک پلیس را به عنوان نهاد کلیدی در کنترل اجتماعی عمومی محله‌ها مطرح و ادعا می‌کنند نیروی پلیس در جوامع دموکراتیک حق انحصار اجرای قانون در به-کارگیری اعمال فشار، زور و... را برای بازیابی برقراری نظم در اختیار دارند (طاهری، ربانی و ادیبی، ۱۳۹۱). شهروندانی که از خدمات پلیس راضی بوده، حضور پلیس را در مقابله با جرم و ایجاد امنیت کارا می‌بینند و در مقابل، تخطی پلیس از وظیفه و نقش اصلی خود، به ترس ساکنان منجر می‌شود (همان).

سرمایه اجتماعی: این مفهوم در دهه ۱۹۵۰ توسط سیلی و همکاران برای تحلیل عضویت حومه‌نشینان شهری در کلوپ‌ها، به‌کارگرفته شد (پوتنام و گوس، ۲۰۰۲: ۴). سرمایه اجتماعی مجموعه هنجارهای موجود در نظام اجتماعی است که موجب ارتقای سطح همکاری اعضای جامعه و پایین آمدن هزینه‌های تبادلات و ارتباطات می‌شود (جعفری، حقیقی و رواند، ۱۴۰۰). از نظر بوردیو، سرمایه اجتماعی حاصل جمع منابع بالقوه و بالفعلی است که نتیجه مالکیت شبکه با دوامی از روابط نهادی شده بین افراد است. به عبارت دیگر عضویت در یک گروه است (بیات، کامکار و عنایتی، ۱۳۹۶). سرمایه اجتماعی به معنای مجموعه‌ای از قوانین، هنجارها، الزامات تعهدات، روابط متقابل و اعتماد حک شده در روابط اجتماعی، ساختار اجتماعی و سلسله مراتب نهادی جامعه است که اعضا را قادر به دستیابی به اهداف جمعی و فردی می‌سازد (کلمن، ۱۹۹۸). سرمایه

۱ Putnam & Goss

۲ Coleman

اجتماعی، به مفهوم پیوند اجتماعی و حضور در شبکه‌های گروهی که ضمن حفظ انسجام اجتماعی، سازوکار مناسبی برای پیشگیری از جرائم است (وروایی و چراغ آبادی، ۱۳۹۵).

حس تعلق به مکان: تعلق به مکان که بر پایه حس مکان به وجود آمده و فراتر از آگاهی از استقرار در یک مکان است. این حس باعث پیوند فرد با مکان شده، فرد خود را جزئی از آن دانسته و براساس تجربه‌های خود از نشانه، معانی، عملکرد و شخصیت مکان، نقشی را در ذهن خود تصور می‌کند که مکان برای او قابل احترام می‌شود. بنابراین حس تعلق، ترکیبی پیچیده از معانی نمادها و کیفیت‌های محیطی است که شخص یا گروه، صورت خودآگاه یا ناخودآگاه از یک مکان خاص را ادراک می‌کنند. این معنا که برپایی ارتباط عاطفی فرد با محیط قرار دارد، عمدتاً خود را در طراحی به صورت نمود کالبدی نمایان می‌سازد (رشیدکلویز، ۱۳۹۸). به‌طور کلی می‌توان حس تعلق به مکان را در دو دسته آورد:

۱- تعلق اجتماعی: این گونه از تعلق عمدتاً برپایه تعامل و کنش‌های اجتماعی در محیط صورت می‌گیرد و محیط از این منظر گونه‌ای از تعلق، ترکیبی از عناصر اجتماعی را دارد که فرد در آن به جستجوی تعلق خاطر خود می‌پردازد (کاشانی‌جو، ۱۳۸۹). لاوسون^۱ در «زبان فضا» با اشاره به قوانین اجتماعی محیط به عنوان ضوابط طراحی از آنها با نام قوانین نانوشته یاد برده که از هنجارهای ارزشی جوامع منبعث از فرهنگ و تعاملات اجتماعی اشاره می‌کند. گیفورد^۲ نیز در پژوهش خود و با هدف شناسایی تفاوت‌های مدنظر معماران و مردم استفاده‌کننده از محیط، یکی از مهمترین عوامل موجود در محیط را عدم توجه بعد اجتماعی محیط از سوی طراحان و توجه صرف به عناصر کالبدی و شاخص‌های فرمی، فارغ از عوامل معنایی اشاره و با شفاف نمودن این اختلاف، بر ضرورت تجدیدنظر و شناسایی تفاوت معنایی بین طراحان و کاربران در محیط‌های شهری تاکید می‌کند (نظری، ۱۳۹۵). ۲- تعلق کالبدی: این نوع تعلق، برگرفته از عناصر و اجزاء کالبدی مکان به عنوان

^۱ Lawson

^۲ Gifford

بخشی از فرآیند شناخت و هویت انسانی می‌باشد. ریجرولارکاس^۱ در مطالعات خود به نقش مهم و اساسی تعلق مکانی اشاره و از آن با عنوان ریشه‌داری یاد می‌نماید که بر این اساس فرد محیط را به‌همراه عناصر کالبدی آن در شکل‌دهی معنایی تعلق، به‌خاطر می‌سپارد. پروشانشی^۲ بر ضرورت توجه به عناصر کالبدی در محیط انسانی و نقش آن در شکل‌گیری و تداوم هویت فردی انسان اشاره می‌نماید. وی با تأکید بر نقش حس تعلق کالبدی در محیط به عنوان بخشی از هویت مکانی، آن را جزئی از هویت فردی و نهایتاً اجتماعی افراد در محیط‌های مختلف می‌داند (به نقل از: فاضلیان و قاسمی، ۱۳۹۲).

افراد آسیب‌پذیر: افرادی که در معرض جرم قرار گرفتن خود را بالا برآورد کرده، دفاع مؤثر، وسایل حفاظتی یا امکانات گریز نداشته و شدت تهدید را پیش‌بینی می‌کنند، آسیب‌پذیر تلقی می‌شوند (گرت، بی‌تا: ۲) یا به عبارتی «افرادی که برای محافظت از خود به دلیل نداشتن توان فیزیکی، قادر به دفاع از خود در برابر مهاجم و فرار سریع نبوده، از خانه خود به دلیل ناتوانی مالی قادر به محافظت نمی‌باشند و در صورت بروز صدمه مالی و جراحت فیزیکی به آنها، زمان زیادی برای بهبودی و جبران آن متحمل می‌شوند، افراد آسیب‌پذیر گفته می‌شوند» (هال، ۲۰۰۹).

ب- پیشینه تحقیق

کاملی و عظمتی در پژوهش «بررسی میزان ارتباط حس تعلق به مکان و سطح امنیت اجتماعی شهروندان، مطالعه موردی: شهر قم» با روش توصیفی-تحلیلی و جامعه آماری شهر قم برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه انجام دادند. براساس نتایج تحقیق؛ روابط و چیدمان‌های فضایی در فضای محله با نظارت و ناهنجاری اجتماعی به‌همراه محیط فیزیکی و کالبدی دارای همبستگی معناداری است. همچنین نوع فرم و اندازه فضا که دیگر مولفه حس تعلق به مکان محسوب می‌گردد، با ناهنجاری اجتماعی و امنیت اجتماعی نیز دارای

^۱ Rijerolavarkas

^۲ Persian

همبستگی معناداری است (۱۴۰۰). روانشاد، سیدی و یارمحمدتوسکی پژوهش «تبیین احساس امنیت اجتماعی زنان در فضاهای عمومی شهر اراک» را بین زنان جوان ۱۵ - ۷۵ ساله ساکن در شهر اراک، با نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انجام دادند. برابر نتایج؛ میزان امنیت اجتماعی زنان اندکی کمتر از متوسط است و در میان مؤلفه‌های امنیت به ترتیب زنان بیش از همه احساس عدم احساس امنیت روانی، شغلی، مالی و جانی دارند. همچنین عواملی همچون سرمایه اجتماعی، نگرش به پلیس و ارزش‌ها و نگرش‌های جنسیتی، بی‌نظمی‌ها، سبک زندگی پرخطر، پایگاه اقتصادی و اجتماعی، سن و وضعیت تأهل به واسطه سازوکارهایی همچون حمایت اجتماعی و کنترل اجتماعی با امنیت زنان رابطه دارد (۱۴۰۰). صالحی و حسینی در «بررسی عوامل محیطی موثر بر احساس امنیت زنان در شهر سبزوار»، و جامعه آماری ۴۰۸ نفر زنان ۱۵ - ۴۰ ساله شهر در ۲۲ محدوده از بافت‌های پنج‌گانه (مرکزی، میانی، غیررسمی، برنامه‌ریزی شده و پیرامونی) شهر سبزوار به این نتیجه رسیدند که: تعلق مکانی و تراکم ادراکی دو متغیر محیطی تاثیرگذار مستقیم بر احساس امنیت زنان بودند. متغیرهای اختلاط کاربری، خوانایی و سابقه سکونت به‌طور غیرمستقیم و با میانجیگری تعلق مکانی بر احساس امنیت زنان تاثیر گذار بودند. بی‌نظمی محیطی تنها متغیری بود که به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم بر احساس امنیت زنان تاثیر داشت. تراکم جمعیت تنها متغیری بود که هیچگونه تاثیری چه مستقیم و چه غیرمستقیم بر احساس امنیت زنان نداشت. نتایج رگرسیون گام به گام و تحلیل مسیر نشان داد که تعلق مکانی به امنیت تنهایی ۱۲,۵ درصد بر احساس امنیت زنان را تبیین می‌کند. با اضافه شدن متغیرهای تراکم ادراکی بی‌نظمی محیطی و خوانایی میزان تبیین واریانس متغیر وابسته به ۲۰,۷ درصد افزایش می‌یابد. کاهش کوری جنسیتی در تصمیم‌سازی‌ها و مشارکت زنان در برنامه‌ریزی‌ها، می‌تواند زمینه را برای افزایش احساس امنیت زنان فراهم نماید (۱۴۰۰).

نعمتی‌نیا و همکاران پژوهش «پنداشت ذهنی شهروندان تهرانی از احساس ناامنی در فضاهای بی‌دفاع شهری» را انجام دادند. آنها با رویکرد تفسیرگرایی اجتماعی به کشف و بررسی استدلال‌های ذهنی و معنایی احساس ناامنی در فضاهای بی‌دفاع شهری در مناطق ۳

و ۱۲ شهر تهران پرداختند. مقوله‌های کشف شده شامل اشاعه ترس، خلأ قانونی، سابقه و تکرار ناامنی، بافت‌های آسیب‌زا، هویت محله‌ای و بی‌اعتمادی هستند. مقوله هسته به نام احساس ناامنی در فضاهای بی‌دفاع شهری به‌علت وجود بافت‌های آسیب‌زا و ذهنیت‌های منفی در قالب هویتی خاص در بستر ضعف نظارتی و تجارب منفی با راهبردهای سابقه‌ای و تکرار ناامنی و خلأ قانونی به هرج و مرج و بی‌اعتمادی و انزوای اجتماعی منجر شده است (۱۳۹۹). بخشنده‌زحمتی و همکاران در «مقایسه احساس امنیت اجتماعی زنان در شهر تهران» که از نوع تحقیقات پیمایشی و به‌صورت مقطعی با ۸۰۰ نفر از زنان ساکن شهر تهران (مناطق ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰ و ۲۲) است. به این نتیجه رسیدند: ۱- احساس امنیت زنان در مناطق شمالی شهر بیشتر از زنان مناطق جنوبی بود. ۲- بین شرایط اقتصادی عملکرد دستگاه‌های امنیتی، شبکه روابط اجتماعی فقدان سرپرست، سن، وضعیت تأهل و وضعیت اقتصادی رابطه معنادار وجود دارد، ولی وضعیت اشتغال زنان و میزان تحصیلات آنان با احساس امنیت رابطه معناداری نشان نداد. به‌طورکلی امنیت زنان در شهر تهران از وضعیت بهینه‌ای برخوردار نیست و این نتایج با نظریات جامعه‌شناسی انطباق دارد. بنابراین، فضای شهری و عوامل افزایش‌دهنده و عوامل کاهش‌دهنده امنیت و تهدیدات آنها بر نحوه نگرش زنان بر مقوله امنیت اثر قابل توجهی دارند. بنابراین برای ایجاد تغییر در احساس امنیت زنان، باید راهبردهای متفاوتی از سوی مسئولین و متولیان امنیت در نظر گرفته شود (۱۳۹۹). گودرزی پژوهشی با عنوان «بررسی تأثیر متغیرهای اجتماعی مرتبط با پلیس بر احساس امنیت اجتماعی» در استان همدان با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای و حجم نمونه ۵۷۶ انجام داد. برابر یافته‌ها احساس امنیت اجتماعی در استان همدان با میانگین ۳/۰۵ در حد متوسط است. پاسخگویان به-ترتیب دارای بیشترین احساس امنیت در ابعاد امنیت مالی (۳/۱۷)، جانی (۳/۱۳۷)، شغلی (۳/۰۸) و اخلاقی (۲/۷۸۴) بوده‌اند. یافته‌ها بیانگر رابطه بین متغیرهای پیشگیری از وقوع جرایم توسط پلیس ($\beta=0/27$)، آرایه خدمات اجتماعی توسط پلیس ($\beta=0/12$)، رضایتمندی از پلیس ($\beta=0/15$)، همکاری و مشارکت با پلیس ($\beta=0/23$)، اعتماد به

پلیس ($\beta=0/10$) و احساس آنومی ($\beta=0/22$) با احساس امنیت اجتماعی بودند. بدین معنا که سرمایه اجتماعی پلیس و توانمندی و فعالیت اجتماعی پلیس رابطه مستقیمی با افزایش احساس امنیت اجتماعی در میان شهروندان دارد و با افزایش این متغیرهای اجتماعی مرتبط با پلیس احساس امنیت شهروندان افزایش می‌یابد (۱۳۹۸). فرهادی‌خواه و همکاران در «بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و احساس امنیت در بافت فرسوده» با جامعه آماری منطقه ۱۲ تهران به این نتایج رسیدند که بین سرمایه اجتماعی و احساس امنیت شهروندان در بافت فرسوده رابطه معناداری وجود دارد ($\text{sig} = 0,000$). همچنین در بین شاخص‌های مورد بررسی، مشارکت اجتماعی با ضریب $0/314$ و اعتماد اجتماعی با ضریب $0/264$ بیشترین تأثیر را بر احساس امنیت اجتماعی دارند. براساس نتایج مشخص شده است که با افزایش سرمایه اجتماعی در بافت‌های فرسوده می‌توان به افزایش امنیت و احساس امنیت در این بافت‌ها کمک کرد. همچنین در بین شاخص‌های سرمایه اجتماعی؛ مشارکت اجتماعی، اعتماد اجتماعی و روابط اجتماعی بیشترین تأثیر را بر افزایش احساس امنیت دارند (۱۳۹۸). پورمحمدی و قربانیان در تحقیقی با عنوان «ترس از جرم در فضاهای شهری؛ شناسایی مؤلفه‌های مکانی اثرگذار بر کنترل ترس و افزایش امنیت اجتماعی بر پایه چارچوب‌های نظری»، به توصیف چارچوب‌های نظری ترس در فضاهای شهری، مؤلفه‌های محیطی زمینه‌ساز ترس و استخراج شاخص‌ها و سنجه‌های اثرگذار بر آن می‌پردازند. براساس نتایج تحقیق، اشتراکات و پیوند اجتماعی توسط تنوع خرده فرهنگی بدون حد و مرز خدشه‌دار می‌شود. در رده‌های پایین‌تر این سنجه‌ها، نگرانی اجتماعی مبتنی بر زوال روابط اجتماعی و افول شبکه‌های پیوند محلی قرار دارد. در فضاهای مورد بررسی مدل بی‌نظمی چندان اثرگذار نبوده درحالی‌که فرضیه‌های آسیب‌پذیری به عنوان یکی از عمده و اصلی‌ترین نظریه‌های حاکم در فضاهای شهری ایران نمایان شده است (۱۳۹۶).

کاوایانی و پورقهرمانی در «عوامل مؤثر بر ترس از جرم در مناطق حاشیه‌ای جنوب شهر تبریز»، به این نتیجه رسیدند که میانگین احساس ترس از جرم در بین نمونه مورد مطالعه کمی بیشتر از مقدار متوسط بوده و این میزان در زنان بیشتر از مردان است. نتایج حاصله از

معادله رگرسیونی در میان کل پاسخگویان نیز حاکی است که بی‌سازمانی اجتماعی و نگرش به پلیس هر کدام به صورت جداگانه تأثیر معناداری بر میزان ترس از جرم دارند (۱۳۹۵).

کیم و کانگ^۱ با استفاده از روش تجربی و آزمایشگاهی و کاربرد آزمایش‌های پاسخ گالوانیکی پوست و الکتروکاردیوگرافیف، ترس از جرم در موقعیت‌های زمانی و مکانی مختلف را مورد سنجش قرار داده‌اند. براساس نتایج؛ ویژگی‌های فردی (سن، جنسیت، طبقه اجتماعی و اقتصادی، سطح سبک زندگی و تجربه‌های شخصی) با ترس آنها از قربانی جرم شدن در موقعیت‌های مختلف زمانی و مکانی گوناگون ارتباط دارد (۲۰۱۸).

پریچاتاموانگ و راجیپراک^۲ در پژوهشی پیمایشی از طریق جمع‌آوری ۹۶۰ پرسشنامه، به بررسی ترس از جرم در میان ساکنان شهر بانکوک پرداخته‌اند. به‌طورکلی، برابر نتیجه؛ زنان در مقایسه با مردان، میزان بیشتری ترس از جرم و قربانی شدن دارند. همچنین متغیرهای ناهنجاری اجتماعی درک‌شده و تجربه قربانی شدن نیز نقش تأثیرگذاری در این زمینه دارند (۲۰۱۸). پیسیتلی و پیرلا^۳ در پژوهشی با عنوان «بررسی ترس از جرم و مشارکت در زندگی اجتماعی» در بین شهروندان کانادایی با طرح این سوال که آیا ترس از جرم می‌تواند مشارکت در انواع فعالیت‌های انجمنی را توضیح دهد، به این نتیجه رسیدند که مدل‌های افقی و عمودی رابطه بین ترس از جرم و مشارکت را نشان می‌دهند، اما ماهیت آن رابطه باتوجه به نوع فعالیت متفاوت است. سطح بالایی از ترس و همچنین رفتار متقابل، مشارکت در زندگی اجتماعی «مدل عمودی» را توضیح می‌دهد، درحالی‌که فقدان ترس مشارکت در زندگی اجتماعی «مدل افقی» را توضیح می‌دهد، اما نتایج آنها به‌طورکلی نشان می‌دهد رابطه مستقیمی با کاهش میزان مشارکت اجتماعی افراد در فعالیت‌های اجتماعی وجود دارد (۲۰۱۷). تاندوگان و سیمسک^۴ در «ترس از جرم در فضاهای عمومی؛ از

^۱ Kim, S., Kang, H

^۲ Prechathamwong & Rujiprak

^۳ Piscitelli & Perrella

^۴ Tandogan & Simsek

دیدگاه زنان ساکن در شهرها»، دریافتند که ترجیح زنان برای داشتن احساس امنیت این است که در مکان‌های سر بسته و محافظت شده قرار داشته باشند و از خیابان‌ها، پارک‌ها، میدان‌ها، وسایل نقلیه عمومی حمل و نقل و مناطق عمومی شهری به خصوص در شب، احتراز می‌کنند. آنها هنگام رفتن در خیابان‌ها و حتی خانه‌ها احساس ناامنی دارند و آزادی حرکت کودکان خود را در شهر نیز محدود می‌کنند. با این وضعیت، سعی بر آنست تا از مشکلات ناشی زنان در فضاهای عمومی شهر جلوگیری شود (۲۰۱۶). دی دوندر و همکاران^۱ مقاله‌ای با عنوان «سرمایه اجتماعی و احساس ناامنی: مطالعه‌ای در مورد تأثیر شبکه‌های اجتماعی، دلبستگی به مکان و مشارکت مدنی بر ایمنی درک شده در بلژیک» داشته که هدف این مطالعه بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی تعریف شده برحسب پیوندهای اجتماعی، دلبستگی به مکان و مشارکت مدنی و احساس ناامنی در زندگی است. داده‌های نظرسنجی برای ۲۴۹۶۲ فرد ۶۰ ساله و بالاتر از ۸۵ شهرداری در سراسر بلژیک جمع‌آوری گردید. بنابر نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه؛ کمبود فرصت برای مشارکت سیاسی مهمترین عامل در تفسیر احساس ناامنی است. علاوه بر این، چندین ویژگی دلبستگی به مکان (مانند رضایت از محله و مشارکت محله) با احساس ناامنی مرتبط هستند. در نهایت، توصیه‌هایی برای کاهش احساس ناامنی در میان سالمندان مورد بحث قرار می‌گیرد. نتایج، به نیاز به افزایش فرصت برای افراد مسن در فرآیند تصمیم‌گیری سیاسی به عنوان اقدامی مهم در کاهش احساس ناامنی اشاره دارد (۲۰۱۲).

ج- چارچوب نظری

فضاهای شهری محله‌ای متعلق به همه شهروندان هستند. تنها به ابعاد محیطی یا کالبدی خلاصه نمی‌شوند بلکه ابعاد اجتماعی نیز دارد و با حضور همه شهروندان معنا پیدا می‌یابد. ابعاد کالبدی در ترکیب با ابعاد اجتماعی نیز مورد توجه نظریه‌پردازان است. از نظر نیومان فضاهایی به مشکل برمی‌خورند که هیچ حسی ناشی از داشتن هویت مشخص را به انسان

القا نمی‌کند. چنین فضاهای بی‌نام و نشانی حتی سازگاری و هماهنگی ساکنان محله را نیز در تعریف محدوده رفتار مناسب و پذیرفته شده غیرممکن می‌سازد. در این‌گونه فضاها، احساس مالکیت یا اعمال آن و همچنین تشخیص ساکنان از افراد مزاحم امری غیرممکن است». از نظر او عواملی همچون قلمرو فضایی مناسب، احساس مالکیت و تعلق خاطر به فضا، امکان وجود نظارت طبیعی از داخل ساختمان به فضای بیرونی و بهبود شرایط فیزیکی و کالبدی مناطق مسکونی به‌نحو مثبت در ایجاد احساس امنیت اثرگذار است (روانشاد، سیدی و یارمحمدتوسکی، ۱۴۰۰).

فضاهای قابل دفاع نظریه‌ای در حیطه طراحی می‌باشد که بر نحوه سکنی‌گزینی شهروندان و تجربه او از استفاده فضا اشاره دارد. به‌نظر نیومن طرح‌های شهری به‌طور گسترده رابطه مثبتی با کاهش فرصت‌های جرم در مناطق مختلف شهرها دارند. قلمروگرایی، نظارت، تعریف مرز، تصویر و فضای اجتماعی چهار اصل نظریه فضاهای قابل دفاع می‌باشد (Talebpoor, 2017: 140؛ به نقل از: صالحی و حسینی، ۱۴۰۰). نظریه فضای قابل دفاع در اوایل دهه ۸۰ تأثیرهای مختلفی به جای گذاشت. تلاش و فعالیت‌هایی که در دهه ۸۰ منجر به توسعه و رشد این نظریه شد به شرح زیر است: ۱- نظریه پنجره‌های شکسته که توسط ویلسون و کلینگ در سال ۱۹۸۲ مطرح شد. برابر این نظریه؛ زوال محله و عدم نگهداری از آن می‌تواند بر رفتار افراد تأثیرگذار باشد. نگهداری و حفظ اموال به مانند نظارت کنترل ورودی‌ها و قلمروگرایی به راهبردهای نظریه افزوده شد. ۲- تقویت مبانی جرم‌شناسی محیطی از طریق پاتریشیا و برانتینگهام با انتشار کتاب جرم‌شناسی محیطی بود. ۳- کلارک دیدگاه خود درباره جرم‌شناسی محیطی را گسترش داد و ۴- نهایتاً تلاش‌های بسیار مؤثر در پیشبرد برنامه‌ها و راهبردهای نظریه داشت. هرچه از شروع نظریه فاصله گرفته شود نظریه‌پردازان از سطح محیط فیزیکی فراتر رفته و به محیط اجتماعی و جنبه‌های اجتماعی محیط نیز توجه کرده‌اند (ارغیانی، ۱۳۹۹).

در زمینه نقش پلیس و ترس از جرم می‌توان به نظریه پنجره‌های شکسته اشاره کرد. برابر این نظریه، جرائم خرد منجر به برهم زدن نظم عمومی، مقدمه‌ای برای ارتکاب جرائم

مهم تر هستند و اگر به نظم عمومی یک محله توجه نشود، فضای مساعدی برای ارتکاب جرائم مهم به وجود می آید. ویلسون و کلینگ در این خصوص یک جمله نمادین بیان کردند که «اگر در یک ساختمان یک پنجره شکسته وجود داشته باشد، نشانگر آن است که کسی مراقب نیست و به زودی تمام پنجره‌های دیگر شکسته خواهند شد». مجموعه بحث‌های پرداختی در رویکرد جدید به جرائم خرد، بیشتر براساس تحلیل عملکرد پلیس در مورد این جرائم، رابطه پلیس محلات با مردم می‌باشد. مهمترین نکته نظریه پنجره‌های شکسته؛ مقدمه ایجاد و حفظ امنیت شهروندان، حفظ نظم عمومی است و بی‌نظمی باعث افزایش جرائم می‌شود. در واقع بی‌نظمی اولین پله یک روند زوال و سقوط است که منجر به ناامنی و عدم احساس امنیت شهروندان می‌شود. مقابله با بی‌نظمی و جرائم خرد در خیابانها سبب کاهش آمار کلیه جرائم می‌شود (علیوردی‌نیا، جانعلی‌زاده و پنج‌تی، ۱۳۹۵). در برخی محلات آمار جرم آن‌قدر بالاست و آن‌قدر مشکلات اخلاقی وجود دارد که گشت‌های پیاده نیز بی‌فایده است. بهترین کاری که پلیس با نیروهای محدود می‌تواند انجام دهد پاسخگویی به درخواست‌های مردم است. برخی از محلات با ثبات و امن هستند و نیازی به گشت‌های پیاده ندارند. بهترین راه، شناسایی محلاتی است که در آستانه سقوط قرار دارند. جاهایی که نظم عمومی در آنها رو به کاهش است قابل اصلاح هستند. محلاتی که مردم با نگرانی در خیابان‌های آن قدم می‌زنند و هر لحظه احتمال شکستن پنجره‌ای وجود دارد. پنجره شکسته، هرچه زودتر باید عوض شود تا مبادا تمامی پنجره‌ها شکسته شود. مأموران با توجه به میزان وقوع جرائم در محلات گمارده و یا براساس تماس‌های مردم به محل جرم اعزام شوند. این وضعیت علی‌رغم این واقعیت است که اکثر مردم برای مشکلات کم اهمیت با پلیس تماس می‌گرفتند. اداره پلیس بایست نگاهی به محلات مختلف بیاندازد و از شواهد و قرائن دست اول نتیجه‌گیری نماید که در کدام محله مأمورین می‌توانند در ارتقا و احساس امنیت مردم مؤثر باشند تا گشت‌ها به آن محل اختصاص یابد (ویلسون و کلینگ، ۱۹۸۲؛ به نقل از: طاهری، ربانی و ادیبی، ۱۳۹۱). همکاری و تعامل روزافزون پلیس با شهروندان به‌طور مستقیم از طریق افزایش احساس

اثر بخشی و کارایی شهروندان، تحکیم روابط بین همسایگان و مشارکت دادن آنها در امور همسایگی و شهر، احساس ناامنی را کاهش می‌دهد. مشارکت شهروندان در گروه‌های پایش محل، آموزش نوجوانان و برنامه‌های پاکسازی، احساس همبستگی اجتماعی شهروندان را افزایش داده و به کاهش ترس و افزایش احساس امنیت آنها کمک می‌کند. هنگامی که پلیس با شهروندان از طریق گروه‌های محلی همسایگی، فعالیت‌های نوجوانان، مدارس و ... تعامل می‌کند این همکاری و مشارکت، پیوندهای واقعی شهروندان بین پلیس و شهروندان را تقویت و باعث کاهش احساس ناامنی می‌گردد (روه و الیور، ۲۰۰۵؛ به نقل از: طاهری، ربانی و ادیبی، ۱۳۹۱).

نظریه‌های امنیت اجتماعی قانون‌محور، دغدغه نظم مبتنی بر قانون را دارند. از نظریه‌پردازان آن می‌توان ایستر برایمر^۱ را برشمرد. برخلاف تعبیر ویور و بوزان، به نظر برایمر؛ مفهوم امنیت اجتماعی بر صیانت مردم و امنیت شبکه‌های مواصلاتی مانند خطوط حمل و نقل، امنیت تماس تلفنی و امنیت الکترونیک متمرکز است. مقصود برایمر از صیانت مردم همان چیزی است که در گفتمان سلبی امنیت به عنوان رفع دغدغه امنیتی جامعه یاد می‌شود. بر این اساس، امنیت اجتماعی هنگامی تأمین می‌شود که افراد جامعه بتوانند در عرصه خصوصی زندگی خود از نظارت مراقبت تهدید و تعقیب دیگری (دولت و ...) درامان باشند. برایمر معتقد است برای رسیدن به امنیت اجتماعی علاوه بر پلیس مسلط و منصف به همکاری دستگاه قضایی و دیگر نهادهای نگهبان قانون نیاز مبرم وجود دارد. به گفته برایمر امنیت اجتماعی هنگامی تأمین می‌شود که حقوق اساسی انسان‌ها به-ویژه در حوزه آزادی و سبک زندگی مورد احترام باشد. برایمر تلویحاً خاطر نشان می‌سازد که امنیت اجتماعی حاصل تعامل و رعایت قانون از سوی افراد جامعه و پلیس است (برایمر، ۲۰۰۶: ۵۳؛ به نقل از: بخشنده‌زحمتی، بهیان و حقیقتیان، ۱۳۹۹).

نکته قابل توجه در تئوری اختلالات اجتماعی این است که خصوصیات ساختمانی و ساختاری مانند موقعیت اقتصادی-اجتماعی یک محله به عنوان عوامل ثابت و همواره در ارتباط با میزان جرم و اختلافات اجتماعی مورد مطالعه واقع شده است. بنابراین ساختار محله‌ای می‌تواند با عامل احساس ناامنی و ترس از جرم توسط ارتباط تئوری بی‌نظمی اجتماعی و فرضیه اختلالات اجتماعی تبیین شود. براساس تئوری بی‌نظمی اجتماعی و اختلال اجتماعی، برخی مکان‌ها به دلیل ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی ساکنان و ساختار کالبدی خاص، امکان و فرصت بیشتری برای وقوع جرم دارند. برعکس برخی مکان‌ها مانع و فعالیت‌های مجرمانه می‌باشد و همین امر باعث شده بزهکاران در انتخاب محل جرم خود، دنبال شرایط مکانی مناسب و کم خطر برای انجام فعالیت مجرمانه باشند (رسولی‌شورستان، ۱۳۹۷). خصوصیات محله‌ای که پیش‌بینی کننده احساس ناامنی و ترس هستند معمولاً با نظریه اختلاف اجتماعی^۱ ارتباط دارند. اختلالات اجتماعی شامل مسائلی مانند: باند تبهکاران، پارتی‌های پرسر و صدا، بی‌خانمان‌ها، مستی و پرسه‌زنی می‌باشند. درحالی‌که اختلالات فیزیکی شامل مسائلی مانند: ویرانگری، ریختن آشغال، دزدی از ساختمان‌ها، ربودن ماشین و ایجاد بی‌نظمی می‌باشد. این اختلالات به عنوان نشانه‌هایی از شکستن و نقض معیارهای رفتاری و کنترل اجتماعی در مناطق مختلف می‌باشد. مردم چنین عوامل و نشانه‌هایی را به افزایش خطر جرم ارتباط می‌دهند (مک کرو و همکاران، ۲۰۰۵). همچنین نظریه بی‌سازمانی اجتماعی در تبیین جرم و کجروی بر عوامل اجتماعی و اقتصادی، به‌ویژه ساختار و سازمان اجتماعی جامعه تأکید دارد. در این نظریه آنچه موجب افزایش جرم و کجروی می‌شود: توسعه شهرنشینی، تغییرات سریع صنعتی شدن، مهاجرت به شهرها، به‌ویژه کلان شهرها و ... اجتماعات مدرن و تغییراتی توأم با آن است (کروم، ۲۰۰۳) که این تغییرات مثل تضعیف روابط و علایق خویشاوندی، تضعیف روابط همسایگی، کاهش انسجام اجتماعی، افزایش فقر، افزایش بی‌اعتمادی،

^۱ Incivilities thesis

^۲ Crum

کاهش کارایی نهادهای اجتماعی و .. موجب می‌شود محیط مناسبی برای کجروی و جرم فراهم شود (احمدی، ۱۳۸۸: ۳۷). به عبارت دیگر، این نظریه بر شرایطی تأکید دارد (شرایط بی‌سازمانی) که در آن وابستگی به نهادهای اجتماعی و سازمان اجتماعی گسسته و دیگر کنترلی بر آن وجود ندارد. بی‌سازمانی اجتماعی بیانگر آن است که جوانان در کسب ارزش‌ها، روابط اجتماعی و توانایی برای کسب اهداف مشترک؛ تحت تأثیر والدین، همسایه‌ها و ساکنان محل هستند. وقتی یک محله با کاهش انسجام اجتماعی و از هم‌گسیختگی شبکه‌های اجتماعی که مدیریت آن محله را بهم می‌ریزد مواجه شود، تاثیرپذیری جمعی نیز کاهش و به تبع به افت سرمایه اجتماعی میان محله‌ای منجر می‌شود (رز، کلیر و تد، ۲۰۰۲). نکته قابل تامل تئوری بی‌سازمانی اجتماعی، سازوکارهای محله‌ای است که باعث افزایش پیوندهای اجتماعی و کاهش هر نوع جرم و بی‌نظمی می‌شود. به عبارتی پیوندهای محله‌ای، به عنوان عامل غیرمستقیم تأثیرگذار بر وقوع کجروی و جرم می‌باشند (رید، ۲۰۰۰). همچنین حس تعلق مکانی با ناامنی و ترس از جرم نیز مرتبط است. حس تعلق موجب تبدیل یک فضا به مکانی با خصوصیات حسی و رفتاری ویژه برای افراد خاص می‌شود. این حس علاوه بر ایجاد احساس راحتی از یک محیط، باعث دستیابی به هویت برای افراد نیز می‌گردد (فلاحت، ۱۳۸۴). درعین‌حال، حس تعلق مکانی مفهومی پیچیده از احساسات و دلبستگی انسان نسبت به محیط است که در اثر انطباق و استفاده انسان از مکان به وجود می‌آید. از نظر کریستین نوربرگ شولتز، تعلق مکانی در مکان‌هایی یافت می‌شود که شخصیت مشخص و متمایز دارد و شخصیت محیطی از چیزهایی مثل ملموس ساخته شده که دارای مصالح، شکل، بافت و رنگ است. از نگاه پدیدارشناسان جغرافیای انسانی، حس تعلق به معنای پیوندی محکم و عاملی تأثیرگذار میان مردم و مکان و اجزای تشکیل دهنده آن است که

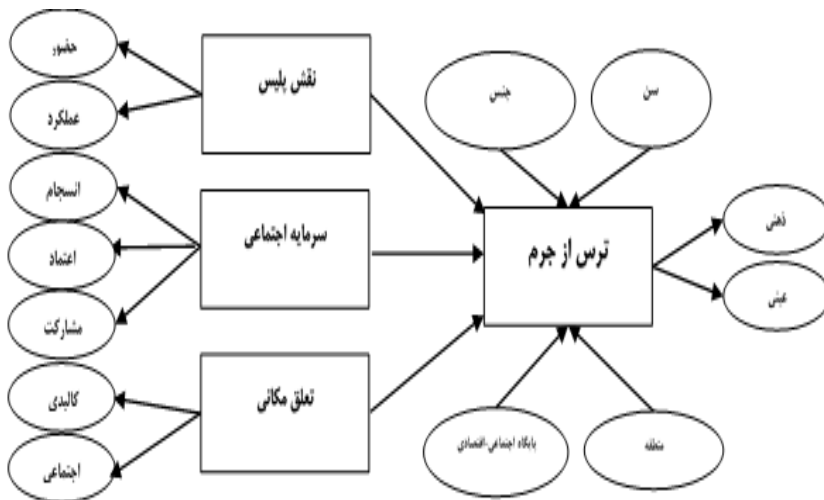
۱ Rose , Clear & Todd

۲ Reid

این پیوند به صورت مثبت بوده و سبب گسترش ارتباط و تعامل فرد با محیط می‌گردد و با گذر زمان عمر بیشتری می‌یابد. از نظر رلف مفهوم حس مکان، عاملی که از یک طرف باعث هماهنگی و کارکرد مناسب فضای معماری و انسان است و از طرف دیگر عاملی برای احساس امنیت، لذت و ادراک عاطفی افراد به شمار می‌آید که به هویت‌مندی افراد و احساس تعلق آنها به مکان کمک می‌کند (عابدی و عباسی، ۱۳۹۸).

می‌توان با توجه نظریات ارائه شده فرضیه اصلی تحقیق را بیان داشت که عوامل پیوند محله‌ای (حس تعلق مکان، سرمایه اجتماعی و نقش پلیس) بر میزان ترس از جرم/ احساس ناامنی تأثیرگذار می‌باشند.

فرضیات پژوهش عبارتند از: ۱- بین میزان حس تعلق مکان و میزان احساس ترس از جرم رابطه وجود دارد. ۲- بین میزان سرمایه اجتماعی و میزان احساس ترس از جرم رابطه وجود دارد. ۳- بین میزان نقش پلیس و میزان احساس ترس از جرم وجود دارد. ۴- میزان احساس ترس از جرم برحسب نوع منطقه محل سکونت متفاوت می‌باشد. ۵- میزان احساس ترس از جرم برحسب پایگاه اجتماعی-اقتصادی متفاوت می‌باشد. ۶- میزان احساس ترس از جرم برحسب ویژگی‌های زمینه‌ای (سن، جنس) متفاوت می‌باشد.



شکل ۱. مدل نظری پژوهش

۲. روش تحقیق

روش تحقیق، پیمایش و ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه محقق‌ساخته دارای روایی صوری و پایایی (مقدار آلفای کرونباخ) است. جامعه آماری، شهروندان شهر کاشان براساس آمارنامه سال ۱۴۰۱، ۳۰۴,۴۸۷ نفر می‌باشد (کاشان. آی آر، ۱۴۰۰).^۱ با استفاده از فرمول کوکران ۳۸۴ نفر به عنوان حجم نمونه انتخاب که با روش سهمیه‌ای براساس ۵ منطقه شهرداری، درون هر منطقه با تقسیم حجم نمونه بر تعداد مناطق انتخابی، تعداد پرسشنامه‌ای که باید در هر منطقه تکمیل می‌گردید، مشخص شد که چند پرسشنامه توزیع و تکمیل گردد.

جدول ۱. محدوده جغرافیایی مناطق پنج گانه جامعه آماری و جمعیت آنها

نوع ساخت و ساز و قدمت	تعداد نمونه	مشخصات منطقه‌ای (نظیر ویژگی‌های اصلی و کالبدی منطقه):	مناطق شهرداری
ستنی	۴۲	هسته مرکزی شهر مشتمل بر بازار بزرگ و بناهای تاریخی و اکثر بانکهای مرکزی و حائز موقعیت سیاسی-اجتماعی محل استقرار اکثر هیئات مذهبی-مورد بازدید گردشگران داخلی و خارجی. این منطقه محدوده‌ای به وسعت ۴,۹۲۱ کیلومتر مربع و ۳ ناحیه دارد. جمعیت منطقه بر اساس سرشماری سال ۹۵ بیش از ۳۰,۳ هزار نفر برآورد شد. ناحیه ۱ با وسعت ۲,۵۶۲ کیلومتر مربع بزرگترین ناحیه، ناحیه ۲ با ۲,۲۶۵ کیلومتر مربع و ناحیه ۳ با ۹,۲ کیلومتر مربع می‌باشد. سرانه فضای سبز منطقه به بیش از ۱,۸ مترمربع می‌رسد.	منطقه ۱
میانی	۱۱۲	دارای بافت مسکونی جدید بوده و از مراکز پرتراکم جمعیتی شهرستان و مراکز اصلی اداری و تجاری شهر در این منطقه واقع شده است. این منطقه در محدوده‌ای به وسعت ۳۴,۷۷۱ کیلومتر مربع و دارای ۳ ناحیه می‌باشد. جمعیت منطقه براساس سرشماری سال ۹۵ بیش از ۸۱ هزار نفر برآورد می‌شود. ناحیه ۱ با وسعت ۶۵۲۵ کیلومتر مربع بزرگترین ناحیه می‌باشد. ناحیه ۲ با وسعت ۱۱۱۸۸ کیلومتر مربع می‌باشد. ناحیه ۳ با وسعت ۱۷۰۵۷ کیلومتر مربع می‌باشد. سرانه فضای سبز منطقه به بیش از ۱,۲ مترمربع می‌رسد.	منطقه ۲
مدرن	۱۱۲	از جهت شمال به خیابانهای غیاث‌الدین جمشید، سپیده کاشانی و محور امیرکبیر، از جنوب به اراضی جعفرآباد و صفی آباد، از غرب به بلوار ملاصدرا و خط راه آهن و از شرق به اراضی و زمینهای حسن آباد و فین می‌باشد. مساحت منطقه: ۲۴۰۰ هکتار و در محدوده‌ای به وسعت ۲۴,۲۶۵ کیلومتر مربع است. دارای ۴ ناحیه می‌باشد. جمعیت منطقه بر اساس سرشماری سال ۹۵ بیش از ۷۸,۸۸۸ هزار نفر برآورد می‌شود. ناحیه ۱ با وسعت ۲,۱۰۵ کیلومتر مربع بزرگترین ناحیه می‌باشد. ناحیه ۲ با وسعت ۰,۵۱۸ کیلومتر مربع می‌باشد. ناحیه ۳ با وسعت ۵,۴۱۶ کیلومتر مربع می‌باشد. ناحیه ۴ با وسعت ۲۲۶,۱۶ کیلومتر مربع م می‌باشد. سرانه فضای سبز منطقه به بیش از ۴,۶ مترمربع می‌رسد.	منطقه ۳
ستنی	۷۶	محدوده‌ای به وسعت ۱۱۰,۹۳۱ کیلومتر مربع و ۳ ناحیه دارد. از میدان الغدیر (واقع در خیابان امیرکبیر) تا باغ فین در ۲ طرف محور که شامل فاز یک ناجی‌آباد-شهرک امیرالمومنین و فین می‌باشد. ناحیه واقع در فاز یک ناجی‌آباد و فین کوچک-ناحیه فین بزرگ-ناحیه مسکن مهر جمعیت منطقه بر اساس سرشماری سال ۹۵ بیش از ۶۳,۴۷ هزار	منطقه ۴

		نفر برآورد می‌شود. ناحیه ۱ با وسعت ۵۲۸۲۹ کیلومتر مربع بزرگترین ناحیه می‌باشد. ناحیه ۲ با وسعت ۵۶۰۸۲ کیلومتر مربع می‌باشد. ناحیه ۳ با وسعت ۲۰۱۹ کیلومتر مربع می‌باشد. سرانه فضای سبز منطقه به بیش از ۱,۷ مترمربع می‌رسد.
منطقه ۵	۴۲	از شمال به علی‌آباد (ناحیه ۲) از شرق به حدفاصل میدان جهاد، بلوار معمار تا میدان نوش‌آباد و زیرگذر پل جاده نوش‌آباد (ناحیه ۴) از جنوب به بلوار دانش، بلوار نارنجستان و رودخانه بعد از دانشگاه کاشان ناحیه ۱ و ۳ و ۴، از غرب به خزاق محدوده مزرعه محمدیه (ناحیه ۱) محدود شده است. این منطقه ۱۱۹۱۶۰۰۰ کیلومتر مربع وسعت و ۴ ناحیه دارد. جمعیت منطقه براساس سرشماری سال ۹۵ بیش از ۳۱ هزار نفر برآورد می‌شود. ناحیه ۱ با وسعت ۱۵۸۲۰۰۰ کیلومتر مربع بزرگترین ناحیه، ناحیه ۲: ۳۵۰۱۰۰۰ کیلومتر مربع، ناحیه ۳: ۴۱۱۸۰۰۰ کیلومتر مربع و ناحیه ۴: ۲۷۱۵۰۰۰ کیلومتر مربع می‌باشد. سرانه فضای سبز منطقه به بیش از ۲۲۷۳ مترمربع می‌رسد.

جدول ۲. سنجش آلفای کرونیباخ به همراه گویه‌های مورد استفاده در ساخت متغیرهای پژوهش

متغیر	ابعاد	گویه‌ها	تعداد گویه	الفای کرونیباخ
میزان احساس ترس از جرم	ذهنی عینی	ترس از تعدی و تجاوز، ترس از پیاده‌روی معابر و پارکهای شهر، ترس از ناامنی خیابان و جاده‌ها، ترس از قدم زدن در مکانهای خلوت، ترس از رفت و آمد در ساعات آخر شب	۵	۰/۹۰
جرم	عینی	سابقه تعقیب و مزاحمت، سابقه سرقت کیف پول، طلا و... سابقه درگیری لفظی و فیزیکی خیابانی، سابقه شنیدن متلک، سابقه لمس بدن و تنه زدن، توقف یا بوق زدن اتومبیل برای سوارشدن	۶	۰/۸۹
حس تعلق مکان	اجتماعی کالبدی	تجربه خاطرات خوب در محله، راحتی و آسایش در محله، داشتن دسترسی ارتباط با خویشاوندان و آشنایان، احساس تعلق به محله	۴	۰/۹۷
	کالبدی	دسترسی به امکانات برای تأمین نیازها، دسترسی به محل کار، مدرسه و... عدم تمایل به جایگزینی محله، داشتن زیبایی محله	۴	۰/۹۵
نقش پلیس	حضور عملکرد	در دسترس بودن، سرعت در نیاز مردم، داشتن گشت شب و روز، مجهز بودن به وسایل امنیتی خاص در هنگام حضور صحنه جرم یا حادثه	۴	۰/۹۸
	عملکرد	قاطعیت در برخورد با مجرمین، برخورد محترمانه با مردم، توانایی در مقابله با جرایم، داشتن نیروی متخصص و ماهر	۴	۰/۹۵
سرمایه اجتماعی	اعتماد انسجام	سپردن خانه به همسایه‌گان در مواقع مسافرت و... اعتماد به همسایه‌ها در دادن قرض پول یا اشیا و... بودن روابط عادلانه و منصفانه بین مردم محله	۳	۰/۹۶
	انسجام	کمک به هم محله‌ای‌ها به اندازه توان، دادن کمک و مشورت فکری به هم محله و همسایه‌ها در مواقع ضروری، انجام دادن کاری که به نفع محله باشد حتی اگر نفعی برایم نداشته باشد.	۳	۰/۹۸
	مشارکت	رفت و آمد با همسایه‌ها، شرکت در فعالیتهای مذهبی و جلسات محله (مراسم مذهبی، فعالیت و برنامه‌ریزی در امور جشن، عزاداری و...)، شرکت در جمع‌آوری امور خیریه و فی سبیل‌الله (صدقه، خمس، زکات و...)	۳	۰/۹۶

۳. تجزیه و تحلیل یافته‌ها

یافته‌های استنباطی بخش کیفی

الف- آمار توصیفی

توزیع فراوانی پاسخگویان از کل نمونه برحسب جنسیت: (۴۹/۰) درصد مرد و (۵۱/۰) درصد زن؛ برحسب وضعیت تأهل: (۷۸/۹) درصد متأهل، (۱۱/۵) درصد مجرد

و (۹/۶) درصد بی‌همسر (طلاق یا فوت همسر)؛ برحسب گروه سنی: (۵/۷) درصد گروه سنی ۱۵-۱۹ سال، (۲۳/۴) درصد گروه سنی ۲۰-۲۴ سال، (۲۱/۴) درصد گروه سنی ۲۵-۲۹ سال، (۹/۶) درصد ۳۰-۳۴ سال، (۹/۱) درصد ۳۵-۳۹ سال، (۵/۵) درصد ۴۰-۴۴ سال، (۶/۵) درصد ۴۵-۴۹ سال، (۶/۰) درصد ۵۰-۵۴ سال، (۲/۶) درصد ۵۵-۵۹ سال، (۴/۴) درصد ۶۰-۶۴ سال، (۵/۷) درصد ۶۵ سال به بالا؛ بر حسب منطقه محل سکونت: (۱۰/۹) درصد منطقه یک (بافت سنتی)، (۲۹/۲) درصد ساکن منطقه دو (بافت میانی)، (۲۹/۲) درصد ساکن منطقه سه (بافت مدرن)، (۱۹/۸) درصد ساکن منطقه چهار (بافت سنتی) و (۱۰/۹) درصد ساکن منطقه پنج (بافت میانی-صنعتی)؛ برحسب تعداد سال‌های سکونت (۲۲/۷) درصد زیر ۵ سال، (۱۵/۴) درصد بین ۵ تا ۱۰ سال، (۲۰/۳) درصد بین ۱۰ تا ۳۰ سال، (۸/۱) درصد بین ۳۰ تا ۵۰ سال و بالاتر، (۳۳/۶) درصد از کودکی تاکنون ساکن در مناطق ۵ گانه شهر کاشان بوده‌اند.

جدول ۳. توزیع فراوانی نمره میانگین پاسخگویان برحسب متغیرهای فاصله ای پژوهش و ابعاد آنها

احساس ترس از جرم		حس تعلق مکان			نقش پلیس			سرمایه اجتماعی				
نمره کل	عینی	ذهنی	نمره کل	کالبدی	اجتماعی	نمره کل	حضور	عملکرد	نمره کل	اعتماد	انسجام	مشارکت
۲/۹۴	۲/۸۴	۳/۰۴	۳/۷۴	۳/۷۳	۳/۷۶	۳/۱۶	۳/۱۶	۳/۱۷	۳/۳۹	۳/۴۰	۳/۳۹	۳/۳۷

در جدول شماره (۳)، میانگین نمره احساس ترس از جرم ۲/۹۴ می‌باشد، این به معنی آن است که این متغیر در بین نمونه پاسخگویان تاحدی کمتر از متوسط بوده، که بیانگر امنیت بالای شهر است. میانگین حس تعلق مکان برابر با ۳/۷۴ نمره‌ای بالاتر از حد متوسط و نشان‌دهنده عرق مردم این شهرستان به آب و خاک خودشان می‌باشد. میانگین نقش پلیس برابر با ۳/۱۶ در حد متوسط و میانگین سرمایه اجتماعی برابر با ۳/۳۹ کمی بیشتر از نمره حد وسط و بیان‌گر پیوند حاکم بر روابط بین مردم محلات در شهر کاشان است.

ب- تحلیل استنباطی (آزمون فرضیات پژوهش)

- فرضیه ۱: بین میزان حس تعلق مکان و میزان احساس ترس از جرم رابطه معنی داری وجود دارد.

به منظور بررسی این فرضیه با توجه به جدول مستطیلی شکل و فاصله‌ای بودن سطوح سنجش هر دو متغیر مستقل و وابسته از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده می‌شود.

جدول ۴: آزمون همبستگی پیرسون بین میزان حس تعلق مکان و میزان ترس از جرم

آزمون آماری	ضریب همبستگی (r)	سطح معنی داری (sig)
ضریب همبستگی پیرسون	-۰/۳۶۵	۰/۰۸

باتوجه به نتایج آزمون با اطمینان ۰/۹۵ و سطح خطای کوچکتر از ۰/۰۵ رابطه معنی-داری بین میزان حس تعلق مکانی و میزان احساس ترس از جرم وجود دارد. بنابراین فرضیه تایید می‌گردد. همچنین مقدار این رابطه ۰/۳۶۵ - است که دلالت بر همبستگی معکوس و متوسط بین دو متغیر دارد. یعنی هرچه افراد احساس تعلق مکانی بیشتری نسبت به پیرامون و محلی که در آن زندگی می‌کنند، داشته باشند، میزان احساس ترس از جرم در بین آنها کمتر بوده و همچنین هرچه این احساس تعلق کمتر باشد، پاسخگویان ترس از جرم بیشتری داشته‌اند.

-فرضیه ۲: بین میزان سرمایه اجتماعی و میزان احساس ترس از جرم رابطه معنی داری وجود دارد.

جدول ۵: آزمون همبستگی پیرسون بین میزان سرمایه اجتماعی و میزان احساس ترس از جرم

آزمون آماری	ضریب همبستگی (r)	سطح معنی داری (sig)
ضریب همبستگی پیرسون	-۰/۳۹۵	۰/۰۰۱

باتوجه به نتایج آزمون با اطمینان ۰/۹۵ و سطح خطای کوچکتر از ۰/۰۵ رابطه معنی داری بین میزان سرمایه اجتماعی و میزان احساس ترس از جرم وجود دارد. بنابراین فرضیه تایید می‌گردد. همچنین مقدار این رابطه ۰/۳۹۵ - است که دلالت بر همبستگی معکوس و متوسط بین دو متغیر دارد. یعنی هرچه از میزان بیشتر سرمایه اجتماعی برخوردار باشند،

میزان احساس ترس از جرم در بین آنها کمتر بوده و همچنین هرچه این میزان کمتر در بین آنان وجود داشته باشد، پاسخگویان میزان احساس ترس از جرم بیشتری داشته‌اند.

-فرضیه ۳: بین میزان نقش پلیس و میزان احساس ترس از جرم رابطه معنی‌داری وجود دارد.

جدول ۶. آزمون همبستگی پیرسون بین میزان نقش پلیس و میزان احساس ناامنی

ضریب همبستگی (r)	سطح معنی داری (sig)	آزمون آماری
-۰/۳۸۹	۰/۰۰۳	ضریب همبستگی پیرسون

با توجه به نتایج آزمون با اطمینان ۰/۹۵ و سطح خطای کوچکتر از ۰/۰۵ رابطه معنی داری بین میزان نقش پلیس و میزان احساس ترس از جرم وجود دارد. بنابراین فرضیه تایید می‌گردد. همچنین مقدار این رابطه ۰/۳۸۹ - است که دلالت بر همبستگی معکوس و متوسط بین دو متغیر دارد. یعنی هرچه افراد نقش پلیس را در محله‌شان بیشتر و بهتر ارزیابی نموده‌اند، میزان احساس ترس از جرم در بین آنها کمتر بوده و همچنین هرچه نقش پلیس در محله کم‌رنگ‌تر بوده، پاسخگویان ترس از جرم بیشتری داشته‌اند.

-فرضیه ۴: میزان ترس از جرم بر حسب جنس متفاوت می‌باشد.

جدول ۷. آمار توصیفی آزمون (T-test) میزان احساس ترس از جرم و ابعاد آن بر حسب جنسیت

جنس	تعداد	میانگین	انحراف معیار	انحراف میانگین
مرد	۱۸۸	۲/۶۶	۱/۳۲	۰/۰۹
زن	۱۹۶	۳/۲۰	۱/۳۹	۰/۰۹

جدول ۸. جدول آزمون (T-test) میزان احساس ترس از جرم و ابعاد آن بر حسب جنسیت

متغیر وابسته	F	T	درجه آزادی	سطح معناداری دوطرفه	تفاوت میانگین
میزان احساس ترس	۰/۳۱۱	۳۸۳		۰/۰۰۰	۰/۲۶
از جرم	۰/۳۰۵	۳۸۲/۸۷		۰/۰۰۰	۰/۲۶

بر اساس نتایج جدول آزمون دونمونه‌ای مستقل (جدول ۷ و ۸) با توجه به $\text{sig} < 0/005$ ، می‌توان نتیجه گرفت میانگین احساس ترس از جرم بر حسب جنسیت متفاوت می‌باشد. این میانگین در بین زنان = ۳/۲۰ و مردان = ۲/۶۶ بوده و حاکی از آن است که این

مساله در بین زنان شدت بیشتری دارد. با سطح اطمینان ۰/۹۵ میانگین احساس ترس از جرم زنان و مردان متفاوت است.

فرضیه ۵: میزان احساس ترس از جرم بر حسب سن متفاوت می باشد.

جدول ۹. آمار توصیفی آزمون (Anova) میزان احساس ترس از جرم بر حسب سن

تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	خطای استاندارد	فاصله اطمینان برای میانگین ۹۵٪		کمینه	بیشینه	
				کرانه پایین	کرانه بالا			
۱۵-۱۹	۲۲	۰/۹۹	۰/۲۱	۱/۳۳	۲/۲۲	۱/۰۰	۴/۵۰	
۲۰-۲۴	۹۰	۰/۹۸	۰/۱۰	۲/۰۵	۲/۴۷	۱/۰۸	۵/۶۰	
۲۵-۲۹	۸۲	۱/۳۱	۰/۱۴	۲/۳۳	۲/۹۱	۱/۰۰	۶/۰۰	
۳۰-۳۴	۳۷	۱/۲۸	۰/۲۱	۲/۷۸	۳/۶۳	۱/۲۵	۶/۰۰	میزان احساس ترس از جرم
۳۵-۳۹	۳۵	۱/۱۱	۰/۱۸	۲/۵۰	۳/۲۷	۱/۴۷	۵/۴۰	
۴۰-۴۴	۲۱	۱/۲۶	۰/۲۷	۲/۹۱	۴/۰۶	۱/۳۵	۵/۴۲	
۴۵-۴۹	۲۵	۱/۳۷	۰/۲۷	۳/۰۳	۴/۱۶	۱/۶۵	۵/۴۲	
۵۰-۵۴	۲۳	۱/۳۷	۰/۲۸	۲/۸۴	۴/۰۳	۱/۸۲	۵/۴۲	
۵۵-۵۹	۱۰	۰/۹۵	۰/۳۰	۳/۵۶	۴/۹۳	۱/۸۲	۴/۹۷	
۶۰-۶۴	۱۷	۱/۲۵	۰/۳۰	۲/۵۶	۳/۸۵	۱/۵۲	۵/۵۰	
۶۵ سال به بالا	۲۲	۰/۷۸	۰/۱۶	۴/۷۴	۵/۴۳	۲/۸۰	۵/۸۳	
جمع کل	۳۸۴	۲/۹۴	۱/۳۸	۲/۸۰	۳/۰۸	۱/۰۰	۵/۰۰	

جدول ۱۰. نتایج آزمون (Anova) میزان ترس از جرم بر حسب سن

متغیر	واریانس	جمع مجذورات	درجه آزادی	جمع میانگین	مقدار F	سطح معناداری
میزان ترس از جرم	بین گروهی	۲۲۴/۸۳	۱۰	۲۲/۴۸	۷/۳۱	۰/۰۰۰
	درون گروهی	۵۱۳/۹۲	۳۷۴	۱/۳۷		
	جمع کل	۷۳۸/۷۵	۳۸۴			

بر اساس نتایج جدول آزمون تحلیل واریانس (جدول ۹ و ۱۰) با توجه به $\text{sig} < ۰/۰۰۵$ ، می توان نتیجه گرفت واریانس درون گروهی و بین گروهی میانگین احساس ترس از جرم بر حسب سن متفاوت و فرضیه مورد نظر پذیرفته می شود. همچنین برای روشن تر شدن تفاوت میانگین ترس از جرم در بین گروه های سنی پاسخگویان از نتایج توصیفی این آزمون می توان این میانگین درصد را از بیشتر به کمتر؛ ۶۵ سال به بالا = $(۵/۰۹)$ ، $۵۵-۵۹$ سال = $(۴/۲۵)$ ، $۴۵-۴۹$ سال = $(۳/۶۰)$ ، $۴۰-۴۴$ سال = $(۳/۴۸)$ ، $۵۰-۵۴$

سال = (۳/۴۳)، ۳۰-۳۴ سال = (۳/۲۱)، ۶۰-۶۴ سال = (۳/۲۰)، ۵۳-۳۹ سال = (۲/۸۹)، ۲۵-۲۹ سال = (۲/۶۲)، ۲۰-۲۴ سال = (۲/۲۶)، ۱۵-۱۹ سال = (۱/۱۷) مشاهده نمود که عمدتاً این نمره در بین در گروه‌های رده سنی بالاتر بیشتر است.

فرضیه ۶: میزان احساس ترس از جرم بر حسب نوع منطقه محل سکونت متفاوت می‌باشد.

جدول ۱۱. آمار توصیفی آزمون (Anova) میزان احساس ترس از جرم بر حسب منطقه محل سکونت

بیشینه	کمینه	فاصله اطمینان برای میانگین ۹۵٪		خطای استاندارد	انحراف استاندارد	میانگین	تعداد		
		کراشه پایین	کراشه بالا						
۵/۸۳	۱/۲۷	۴/۰۲	۲/۹۶	۰/۲۶	۱/۶۸	۳/۴۹	۴۲	سنّتی (منطقه ۱)	میزان احساس ترس از جرم
۶/۰۰	۱/۰۰	۳/۲۰	۲/۶۹	۰/۱۲	۱/۳۵	۲/۹۴	۱۱۲	میانی (منطقه ۲)	
۶/۰۰	۱/۰۰	۳/۲۷	۲/۷۴	۰/۱۳	۱/۴۰	۳/۰۱	۱۱۲	مدرن (منطقه ۳)	
۵/۲۵	۱/۰۰	۲/۴۸	۰/۰۰	۰/۱۲	۱/۰۵	۲/۲۴	۷۶	سنّتی (منطقه ۴)	
۵/۷۵	۱/۴۲	۳/۸۰	۳/۱۰	۰/۱۷	۱/۱۳	۳/۴۵	۴۲	صنّعی (منطقه ۵)	
۶/۰۰	۱/۰۰	۳/۰۸	۲/۸۰	۰/۰۷	۱/۳۸	۲/۹۴	۳۸۴	جمع کل	

جدول ۱۲. نتایج آزمون (Anova) میزان احساس ترس از جرم بر حسب منطقه محل سکونت

سطح معناداری	مقدار F	جمع میانگین	درجه آزادی	جمع مجذورات		
۰/۰۰۰	۲/۶۲	۱۵/۴۰	۴	۶۱/۶۱	بین گروهی	میزان
		۱/۷۸	۳۸۰	۶۷۷/۱۳	درون گروهی	احساس
			۳۸۴	۷۳۸/۷۵	جمع کل	ترس از جرم

بر اساس نتایج جدول آزمون تحلیل واریانس (جدول ۱۱ و ۱۲) با توجه به $\text{sig} < ۰/۰۰۵$ ، می‌توان نتیجه گرفت واریانس درون گروهی و بین گروهی میانگین میزان احساس ترس از جرم بر حسب منطقه محل سکونت متفاوت می‌باشد. همچنین برای روشن تر شدن تفاوت میانگین میزان احساس ترس از جرم در بین مناطق مختلف محل سکونت پاسخگویان از نتایج توصیفی این آزمون می‌توان این میانگین را از بیشتر به کمتر؛ منطقه ۱ (سنّتی) = ۳/۴۹، منطقه ۵ (صنّعی-میانی) = ۳/۵۴، منطقه ۳ (مدرن) = ۳/۰۱، منطقه ۲ (میانی) = ۲/۹۴ و منطقه ۴ (سنّتی) = ۲/۲۴ مشاهده نمود.

-فرضیه ۷: میزان احساس ترس از جرم بر حسب پایگاه اجتماعی-اقتصادی متفاوت می باشد.

جدول ۱۳. آمار توصیفی آزمون (Anova) میزان احساس ترس از جرم بر حسب پایگاه اجتماعی-اقتصادی

تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	خطای استاندارد	فاصله اطمینان برای میانگین ۹۵٪		کمینه	بیشینه
				پایین	کرانه بالا		
۴۵	۳/۱۵	۱/۳۲	۰/۱۹	۲/۷۵	۳/۵۵	۱/۱۰	۵/۸۳
۱۳۹	۲/۹۲	۱/۳۳	۰/۱۱	۲/۷۰	۳/۱۴	۱/۰۰	۵/۵۵
۱۳۸	۲/۸۷	۱/۳۷	۰/۱۱	۲/۶۳	۳/۱۰	۱/۰۰	۶/۰۰
۵۲	۲/۸۸	۱/۵۲	۰/۲۱	۲/۴۵	۳/۳۰	۱/۰۰	۵/۶۳
۱۰	۳/۵۵	۱/۹۷	۰/۶۲	۲/۱۴	۴/۹۶	۱/۴۲	۶/۰۰
۳۸۴	۲/۹۴	۱/۳۸	۰/۰۷	۲/۸۰	۳/۰۸	۱/۰۰	۶/۰۰

جدول ۱۴. نتایج آزمون (Anova) میزان احساس ترس از جرم بر حسب پایگاه اجتماعی-اقتصادی

جمع مجذورات	درجه آزادی	جمع میانگین	مقدار F	سطح معناداری
۶/۷۰	۴	۱/۶۷	۰/۵۴۰	۰/۰۷۸
۷۳۲/۰۵	۳۸۰	۱/۹۳		
۷۳۸/۷۵	۳۸۴			

براساس نتایج جدول آزمون تحلیل واریانس (جدول ۱۳ و ۱۴) با توجه به ($F=۰/۵۴, sig>$) می توان نتیجه گرفت واریانس درون گروهی و بین گروهی میانگین احساس ترس از جرم بر حسب پایگاه اجتماعی-اقتصادی متفاوت نمی باشد و فرضیه مورد نظر پذیرفته نمی شود. اگرچه در جدول آمار توصیفی این آزمون می توان میانگین ها را مقایسه و با اختلاف کمی این میزان را مشاهده نمود.

- تحلیل رگرسیونی

به منظور بررسی میزان اثرگذاری متغیر مستقل بر وابسته از رگرسیون استفاده می شود. پس از اجرای دستور رگرسیون نتایج به شرح زیر به دست آمده است:

جدول شماره ۱۵. روش ورود اطلاعات و مدل رگرسیون

متغیرهای وارد شده/حذف			
روش	متغیرهای حذف شده	متغیرهای وارد شده	مدل
Enter	.	حس تعلق مکانی، نقش پلیس، سرمایه اجتماعی	1

a. All requested variables entered.

b. Dependent Variable: ehsas tars az jorm

برابر جدول بالا، برای پیش‌بینی تغییرات متغیر وابسته (احساس ترس از جرم) بر اساس متغیرهای مستقل (حس تعلق مکانی، نقش پلیس، سرمایه اجتماعی) از یک مدل رگرسیونی و روش Enter استفاده شده است.

جدول شماره ۱۶. آنالیز واریانس یک طرفه

آنالیز واریانس یک طرفه ^a						
	سطح معنی داری (sig)	ازمون (F)	میانگین مربعات	درجه آزادی (df)	جمع مربعات	مدل
I	^b ۰/۰۰۰	۱۰۶/۵۲۸	۱۵۰/۳۷۸	۱	۱۵۰/۳۷۸	رگرسیون
			۱/۴۱۲	۳۸۳	۵۳۹/۲۴۴	باقی مانده
				۳۸۴	۶۸۹/۶۲۲	جمع
a. Predictors: (Constant), hes talogh makani, naghsh polis, srmae ejtmaei						
b. Dependent Variable: ehsas tars az jorm						

باتوجه به معنی‌داری مقدار آزمون F (۱۰۶/۵۲۸) در سطح خطای کوچکتر از ۰/۰۱، می‌توان نتیجه گرفت که مدل رگرسیونی تحقیق مرکب از متغیرهای مستقل (حس تعلق مکانی، نقش پلیس، سرمایه اجتماعی) مدل خوبی بوده و متغیر مستقل قادر است تغییرات احساس ترس از جرم را تبیین کند.

جدول شماره ۱۷. خلاصه مدل رگرسیون

خلاصه مدل ^d				
خطای استاندارد برآورد	میزان ضریب همبستگی (R)	مربع ضریب همبستگی (R ²)	ضریب همبستگی (R)	مدل
۱/۱۸۸	۰/۱۴۵	۰/۱۴۶	^a -۰/۳۸۳	I
a. Predictors: (Constant), hes talogh makani, naghsh polis, srmae ejtmaei				
b. Dependent Variable: ehsas tars az jorm				

جدول بالا خلاصه مدل را نشان می‌دهد. مقدار ضریب همبستگی (R) بین متغیرها -۰/۳۸۳ می‌باشد که نشان می‌دهد بین متغیرهای مستقل (حس تعلق مکانی، نقش پلیس، سرمایه اجتماعی) و متغیر وابسته تحقیق (احساس ترس از جرم) همبستگی متوسط و معکوسی وجود دارد، اما مقدار ضریب تعدیل شده (R²) که برابر با ۰/۱۴۵ می‌باشد که نشان می‌دهد ۱۴/۵ درصد از کل احساس ترس از جرم وابسته به متغیرهای مستقل تحقیق

(حس تعلق مکانی، نقش پلیس، سرمایه اجتماعی) می‌باشد. بنابراین میزان تأثیر متغیرهای مستقل که عوامل پیوند محله‌ای هستند بر متغیر وابسته ۱۴/۵ درصد می‌باشد. می‌توان گفت عوامل پیوند محله‌ای در کاهش احساس ترس از جرم تأثیر گذارند.

۴. نتیجه‌گیری

شهر کاشان یکی از شهرهای قدیمی-سستی و مذهبی و شاهراه منطقه‌ای و بین استانی در ایران شناخته می‌شود و عوامل بسیاری در شکل‌گیری و حفظ نظام شهری آن دخالت دارد. در سالیان اخیر به غیر از بافت تاریخی آن، بافت جدید و صنعتی نیز به بدنه آن اضافه شد. این پژوهش با توجه به این تغییر و تحولات شکل گرفته در ساختار این شهر، سعی بر شناخت و تأثیر عوامل پیوند محله‌ای بر کاهش میزان ترس از جرم در این شهر پرداخت. **خلاصه نتایج به دست آمده تحقیق:** میانگین وجود احساس ترس از جرم در بین پاسخگویان کاشانی تاحدی کمتر از متوسط و بیانگر آن است که شهر کاشان علی‌رغم تحولات جدید هنوز به عنوان یکی از شهرهای امن کشور محسوب می‌شود. وجود نمره میانگین بالای حد متوسط حس تعلق مکان برابر نیز گویای عرق مردم به شهر خود بوده و این تعلق خاطر شاید به این دلیل باشد که ساکنان عمده این شهر، بومی بوده و این حس تعلق مکانی را از نسل‌های پیشین خود دریافت و همچنان علاقه‌مند به حفظ آن می‌باشند. عملکرد، نقش و حضور پلیس در این شهر توسط شهروندان با نمره متوسط همراه بوده که حاکی از اهمیت پلیس به عنوان رکن موثر ایجاد شرایط امن برای اهالی محل و منطقه می‌باشد و اعتمادی است که این سازمان برای مردم به عنوان حافظ امنیت خود آن را تلقی نموده و انتظار است همیشه این پیوند بین مردم و پلیس برقرار باشد تا ساکنان در سایه امنیت چنین نیروهایی بتوانند زندگی روزمره خود را با کمال و امنیت خاطر بگذارند. میانگین بالای میزان سرمایه اجتماعی این شهر نشان‌گر پیوندی عمیق، دیرین و ادامه‌دار بین مردم محلات شهر کاشان است و می‌توان از ظرفیت بالقوه این عامل برای رشد و

شکوفایی و تبادلات اجتماعی-اقتصادی-فرهنگی و سیاسی که همچنان در گذشته باعث رونق و شکوفایی این شهر شده، حتی با تحولات مدرن نیز از آن بهره‌مند گردید. در رابطه با فرضیات مطرح شده؛ عوامل پیوند محله‌ای (تعلق مکانی، سرمایه اجتماعی، نقش و حضور پلیس) که منجر به کاهش احساس ترس از جرم می‌شوند، به ترتیب در رابطه با متغیر تعلق مکانی با توجه به نظریه کریستین نوربرگ شولتز و رلف و پژوهش‌های (کاملی و عظمتی، ۱۴۰۰؛ صالحی و حسینی، ۱۴۰۰؛ نعمتی‌نیا، معدنی و بابائی، ۱۳۹۹؛ پورمحمدی و قربانیان، ۱۳۹۶؛ و دی-دوندر و همکاران (۲۰۱۲) حاکی از تایید و همخوانی این متغیر در کاهش ترس از جرم در شهر کاشان می‌باشد.

در رابطه با متغیر سرمایه اجتماعی با توجه به نظریه پیوند محله‌ای، تئوری اختلالات اجتماعی، نظریه بی‌سازمانی (بی‌نظمی) اجتماعی و پژوهش‌های (روانشاد، سیدی و یارمحمدتوسکی، ۱۴۰۰؛ نعمتی‌نیا، معدنی و بابائی، ۱۳۹۹؛ فرهادی‌خواه و همکاران، ۱۳۹۸؛ پورمحمدی و قربانیان، ۱۳۹۶؛ کاویانی و پورقهرمانی، ۱۳۹۵؛ بیستیلی و بیرلا، ۲۰۱۷؛ دی-دوندر و همکاران، ۲۰۱۲) چنانچه بین افراد منطقه‌ای، پیوند بیشتر باشد و افراد با شناخت و اعتماد یکدیگر به مشارکت بپردازند، نقش مهمی در کاهش احساس ترس از جرم دارند. حضور و نقش پلیس که با نظریه پنجره‌های شکسته ویلسون و کلینگ، نظریه فضا‌های قابل دفاع نیومن و نظریه‌های امنیت اجتماعی قانون‌محور و پژوهش‌های (روانشاد، سیدی و یارمحمدتوسکی، ۱۴۰۰؛ بخشنده‌زحمتی، بهیان و حقیقتیان، ۱۳۹۹ و گودرزی، ۱۳۹۸) ارتباط دارد حضور پلیس عامل مهم کاهش احساس ترس از جرم می‌باشد.

در فرضیه تفاوت میانگین میزان احساس ترس از جرم برحسب منطقه محل سکونت این تفاوت در بین بافت‌های متفاوت شهر ملاحظه شد. به طوری که این میانگین از بیشتر به کمتر؛ منطقه ۱ به عنوان منطقه سنتی، منطقه ۵ به عنوان منطقه صنعتی-میانی، منطقه ۳ به عنوان مدرن، منطقه ۲ به عنوان منطقه میانی و منطقه ۴ به عنوان منطقه سنتی در بین این مناطق وجود داشت. با توجه نتایج از شهرداری کاشان توقع است که بتواند احساس امنیت را در همه مناطق به طور یکسان با عوامل مهم امنیت (عوامل پیوند محله‌ای) ایجاد نماید. در این-

خصوص باتوجه نظریه‌های پیوند محله‌ای و پژوهش‌ها (نعمتی‌نیا، معدنی و بابائی، ۱۳۹۹؛ پورمحمدی و قربانیان، ۱۳۹۶؛ کاویانی و پورقهرمانی، ۱۳۹۵؛ ساکیپ و همکاران، ۲۰۱۲) نوع منطقه محل سکونت تأثیر بسیار زیادی بر میزان ترس از جرم دارد.

تفاوت میانگین احساس ترس از جرم برحسب پایگاه اجتماعی-اقتصادی مشاهده نگردید و پژوهش کیم و کانگ (۲۰۱۸) و فرضیه آسیب‌پذیری که به این مورد اشاره داشتند، در این پژوهش تایید نشد. با توجه به دیگر نتایج می‌توان گفت عوامل پیوند محله‌ای قویتر از مسایل اقتصادی افراد بر احساس امنیت آنان اثرگذار می‌باشد و اهمیت بافت شهر و عوامل پیوند محله‌ای در این خصوص پررنگ‌تر از مباحث اقتصادی می‌باشد.

تفاوت میانگین میزان احساس ترس از جرم برحسب جنسیت متفاوت بوده و میانگین بالاتر آن در بین زنان نسبت به مردان حاکی از آن است که این مساله در بین زنان شدت بیشتری دارد و می‌بایست به نکات امنیتی که زنان بیشتر با آن در ارتباط هستند دقت نموده و فضای شهر را برای آنان امن‌تر نمود که با نتایج (کیم و کانگ، ۲۰۱۸؛ پریچاتاموانگ و راجیپراک، ۲۰۱۸؛ ورما و همکاران، ۲۰۱۷؛ تاندوگان و سیمسک، ۲۰۱۶) و فرضیه آسیب‌پذیری درخصوص توجه به امنیت بیشتر زنان ارتباط تنگاتنگ پیدا می‌کند.

تفاوت میانگین احساس ترس از جرم برحسب سن نشان داد که عمدتاً در بین گروه‌های رده سنی بالا، احساس ناامنی بیشتری آنها وجود دارند. باتوجه به فرضیه آسیب‌پذیری (برای متغیر جنس و افراد سالمند) این نتایج نشان می‌دهد که توجه عوامل سازمانی و شهرداری در ایجاد احساس امنیت برای این قشر خاص توجه بیشتری می‌طلبد تا آنان راحت‌تر بتوانند در فضای امن شهر تردد نمایند. نتایج این فرضیه با پژوهش کیم و کانگ (۲۰۱۸) و فرضیه آسیب‌پذیری مورد تایید قرار می‌گیرد.

نتایج تحلیل رگرسیون نیز نشان داد که متغیرهای وارد شده در مدل به‌ویژه تأثیر متغیرهای پیوند محله‌ای ۰/۱۴۵، توان تبیین متغیر وابسته یعنی میزان احساس ترس از جرم را داشته است. یعنی ۱۴/۵ درصد از متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل تبیین می‌گردد که از بین متغیرهای مستقل، به‌ترتیب اثر متغیر سرمایه اجتماعی بیشترین تأثیر و به‌ترتیب

متغیرهای نقش پلیس و حس تعلق و مکان در این مدل نقش داشته‌اند. به‌طور کلی می‌توان نتیجه گرفت اهمیت عامل سرمایه اجتماعی به‌عنوان یکی از عوامل پیوند محله‌ای چقدر می‌تواند در ایجاد میزان ترس از جرم و یا کاهش آن دخیل باشد. هرچند دیگر عوامل این پیوند مانند حس تعلق مکان و پلیس هم مکمل آن می‌باشد.

پیشنهادها

۱- فرضیه آسیب‌پذیری به این واقعیت اشاره دارد که گروه‌های آسیب‌پذیر جامعه (زنان، سالمندان، طبقات پایین، افراد ساکن در مناطق فقیرنشین شهر، کسانی که از لحاظ فیزیک بدنی دچار نقصان هستند و...) بیشتر تحت تأثیر جرایم خشونت‌بار قرار دارند و در نتیجه احساس امنیت کمتری نسبت به گروه‌های مقابلشان دارند. این افراد به دلیل ضعف جسمانی، ضعف مالی و ... توان مقابله با جرم و مراقبت از خود را نداشته و در نتیجه میزان بیشتری از ترس جرم نسبت به دنیای پیرامون خود دارند. اگر دولت و ارگان‌های مربوط به حافظ امنیت اجتماعی، خواهان کاهش ترس این قبیل افراد از جرم هستند، تعدادی گزینه برای حمایت از آنها وجود دارد. حمایت از زنان آسیب‌دیده از طریق نیروی انتظامی و قوه قضائیه، ایجاد سمینارهای امنیت شخصی در نظام آموزش و پرورش و به‌صورت همگانی، گسترش کلاس‌های دفاع شخصی و حمایت مادی و معنوی از این کلاس‌ها به‌ویژه در مناطق محروم، بالابردن حمایت‌های اجتماعی از طریق ارگان‌های مربوطه (سازمان بیمه و بازنشستگی، بهزیستی، خانه سالمندان و...)، جهت حمایت از اقشار کم درآمد جامعه با ارائه تسهیلات لازم جهت ارتقاء کیفیت زندگی آنها و مواردی چون (تخفیف خرید کالاهای اساسی و یا ارائه بن، در اختیار نهادن خانه‌های ارزان‌قیمت به این اقشار، توجه بیشتر جهت استخدام آنان در سازمان‌های خصوصی و دولتی، آموختن مشاغل فنی و حرفه‌ای برای کسب مهارت جهت استخدام و...)، توجه به مناطق فقیرنشین شهر با اقداماتی از سوی شهرداری چون تمیز نگه داشتن این محله‌ها از آلودگی‌ها و مواظبت

جهت‌جلوگیری از تخریب اموال عمومی و نیز افزایش نیروی پلیس با ایجاد یگان‌های ویژه در روز و شب با کنترل و نظارت بیشتر.

۲- یکی از شیوه‌های مناسب که منجر به حفظ و رشد احساس امنیت در محله و سطح شهر می‌شود، ایجاد سرمایه اجتماعی و ایجاد حس تعلق مکان در بین ساکنان یک محله و ... می‌باشد. سرمایه اجتماعی که ترکیبی از مؤلفه‌های داشتن روابط و داشتن آگاهی از احوال و شناخت یکدیگر، اعتماد و مشارکت نسبت به هم محله‌ای‌ها و همسایه‌ها می‌باشد، باعث می‌شود که ساکنین یک محل با داشتن پشتوانه چنین سرمایه‌ای، احساس امنیت خاطری بیشتری نسبت به پیرامون همسایگی خود داشته و با ایجاد روابط درون‌گروهی سالم، در اجتماع نیز این احساس را تقویت کرده و با مشارکت در برنامه‌های سالم‌سازی شهر و حتی کشور به پشتوانه چنین اعتماد و امنیت خاطری به توسعه سازندگی کشور خدمت رسانند (قاسمی، طاهری و مهربانی، ۱۳۹۲) البته باید توجه داشت که ایجاد سرمایه اجتماعی و حس تعلق به زادگاه و مکان زندگی فرد در یک محله، شهر و یا کشور درگرو برگزاری و حمایت از سازمان‌های مردم‌نهاد (سمن) و تشویق خانواده‌ها به شرکت در این سازمان‌ها می‌باشد. حمایت و گسترش سازمان‌ها و انجمن‌های داوطلبانه به‌ویژه در محله‌ها باعث می‌شود که افراد با مشارکت در این‌گونه برنامه‌ها از همسایه‌ها و هم‌محلی‌های خود شناخت و اعتماد بهتری کسب کنند و به تقویت احساس امنیت خود در محله و همسایگی خود یاری رسانند. برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران جامعه می‌بایست با حمایت‌های مالی و قانونی، توجه بیشتری به این سازمان‌ها مبذول داشته، تا این سازمان‌ها بتوانند افراد جامعه را در جهت تقویت و تولید سرمایه اجتماعی بسیج نمایند (طاهری و ربانی، ۱۳۹۱). بسیاری از این سازمان‌ها می‌توانند با ارائه راهکارها و برنامه‌ریزی‌های مناسب به دولت، خانواده‌ها و به‌طورکلی افراد جامعه در جهت هماهنگ‌سازی و بسیج نیروهای مردمی در جهت تقویت سرمایه اجتماعی و ایجاد و رشد احساس امنیت ناشی از آن یاری رسانند.

فهرست منابع و مآخذ الف. منابع فارسی

- احمدی، حبیب (۱۳۸۸). *نظریه انحرافات*، شیراز: انتشارات دانشگاه شیراز.
- احمدی، منیژه؛ خوند، کبری (۱۳۹۸). *نقش نیروی انتظامی در احساس امنیت اجتماعی زنان گردشگر (مطالعه موردی: شهر زنجان)*، دوفصلنامه پژوهش‌های انتظامی - اجتماعی زنان و خانواده، دوره هفتم، شماره (۲)، ۲۰۷-۱۹۳. <https://www.sid.ir/paper/363308/fa>
- ارغیانی، مصطفی (۱۳۹۹). *ارزیابی نحوه تأثیر مؤلفه‌های کالبدی بر ارتقاء احساس امنیت در فضاهای آموزشی از دیدگاه دانش‌آموزان*، مورد مطالعاتی: دبیرستان‌های بجنورد. معماری و شهرسازی آرمان شهر، دوره ۱۳، شماره ۳۱، ۱-۱۸. https://www.armanshahrjournal.com/article_113255.html
- بخشنده زحمتی، سمیه؛ بهیان، شاپور و حقیقتیان، منصور (۱۳۹۹). *مقایسه احساس امنیت اجتماعی زنان در شهر تهران*، پژوهشنامه نظم و امنیت انتظامی، دوره ۱۳، شماره اول (پیاپی ۴۹)، ۱۴۰-۱۱۵. <https://www.sid.ir/paper/381151/fa>
- بیات، بهرام؛ کامکار، مهدی و عنایتی، لطفعلی (۱۳۹۶). *راهبردهای نقش سرمایه اجتماعی در تحکیم امنیت اجتماعی*. فصلنامه امنیت ملی، سال ۷، شماره ۲۵، ۱۴۹-۱۵۶. https://ns.sndu.ac.ir/article_192.html
- پارسی، حمیدرضا (۱۳۷۹). *فضای شهری، حیات مدنی و نیروهای اجتماعی - فرهنگی*. پایان نامه دکتری، رشته شهرسازی، دانشگاه تهران: دانشکده هنرهای زیبا، گروه شهرسازی. https://finearts.ut.ac.ir/ar/view/-/asset_publisher/OA1APXF9jY2V/content
- پورمحمدی، محمدرضا و قربانیان، مهشید (۱۳۹۶). *ترس از جرم در فضاهای شهری؛ شناسایی مؤلفه‌های مکانی اثرگذار بر کنترل ترس و افزایش امنیت اجتماعی بر پایه چارچوب‌های نظری*. معماری و شهرسازی، آذرماه ۱۰ (۱۹)، ۱۹۰-۱۷۷. <https://www.sid.ir/paper/202398/fa>
- جعفری، تقی؛ حقیقی، علی محمد و راویند، امین (۱۴۰۰). *تأثیر سرمایه اجتماعی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در دولت دوازدهم*. فصلنامه علمی امنیت ملی، سال ۱۱، شماره ۴۰، مقاله ۱۰، ۲۷۹-۳۰۴. https://journals.sndu.ac.ir/article_1540.html
- رسولی شورستان، جلیل (۱۳۹۷). *بررسی و تحلیل نقش عوامل کالبدی و اجتماعی بر احساس امنیت در فضاهای شهری گرگان*. فصلنامه دانش انتظامی، سال ۹، شماره ۳، ۳۳-۵۶. http://journals.police.ir/article_20224.html

- رشید کلویز، حجت الله (۱۳۹۸). بررسی حس تعلق به مکان از منظر شاخصهای کالبدی و غیرکالبدی در خانه‌های مستقل و مجتمع‌های آپارتمانی (مطالعه موردی: تبریز). مجله جغرافیا و توسعه فضای شهری، سال ۶، شماره ۲، ۱۹۵-۲۱۵.
https://jgusd.um.ac.ir/article_28781.html
- رضازاده، رضیه (۱۳۸۲). شاخصهای امن در فضاهای شهری. مجله شهرداری‌ها، سال چهارم، شماره ۶. ۴۱.
<https://www.sid.ir/paper/427029/fa>
- زادرفیعی، ناصر (۱۳۸۴). فرایند اجتماعی - فضایی هویت شهر. مجله آبادی، سال ۱۵، شماره ۴۸، ۱۵-۲۱.
<https://noandishaan.com/3077>
- روانشاد، اعظم؛ سیدی، فرانک و یارمحمدتوسکی، مریم (۱۴۰۰). تبیین احساس امنیت اجتماعی زنان در فضاهای عمومی شهر اراک، مجله دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد، دوره ۶۴، شماره ۵، ۴۰۹۶-۴۰۸۳.
https://mjms.mums.ac.ir/article_20471.html
- صالحی، زهرا؛ و حسینی، سیدهادی (۱۴۰۰). بررسی عوامل محیطی مؤثر بر احساس امنیت زنان در شهر سبزوار، فصلنامه علمی-پژوهشی زن و جامعه، دوره ۱۲، شماره ۴۷، ۲۰۵-۲۲۲.
https://jzvj.marvdasht.iau.ir/article_4949.html
- طاهری، زهرا؛ و ربانی، رسول (۱۳۹۱). بررسی احساس امنیت در بین اقشار آسیب‌پذیر جامعه (مورد مطالعه: شهروندان اصفهانی). جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه بهار و تابستان ۱۳۹۱، سال اول - شماره ۱، ۹۱-۱۲۲.
<http://ensani.ir/fa/article/327024>
- طاهری، زهرا؛ ربانی، رسول و ادیبی، مهدی (۱۳۹۱). رابطه نقش پلیس و احساس امنیت در شهر اصفهان سال ۱۳۸۸، پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران، دوره ۱، شماره ۱، ۲۱-۳۸.
https://journals.ui.ac.ir/article_17056.html
- عابدی، محمدحسین و عباسی، سیده فاطمه (۱۳۹۸). بررسی مفهوم حس تعلق مکانی در خانه‌های ایرانی. پژوهش‌های مرمت و معماری ایرانی و اسلامی، سال ۲، شماره ۲، ۴۵-۶۰.
<http://ensani.ir/fa/article/407622>
- عبدالهی، علی اصغر و صنمی، احسان (۱۳۹۹). ارزیابی مؤلفه‌های مؤثر بر امنیت فضاهای عمومی شهری و تلاش جهت ارتقای آنها (مطالعه موردی: پاک بعثت شیراز). دو فصلنامه جغرافیای اجتماعی شهری، دوره ۷، شماره ۱، ۲۱۲-۲۳۲.
https://juscg.uk.ac.ir/article_2345.html
- علیوردی‌نیا، اکبر؛ جانعلیزاده، حیدر و پنج‌تنی، مهدی (۱۳۹۵). تحلیل جامعه‌شناختی ترس از جرم: آزمون تجربی نظریه‌های اثربخشی جمعی و پنجره‌های شکسته. جامعه‌شناسی کاربردی، دوره ۲۷، شماره ۱، ۴۳-۶۶.
https://journals.ui.ac.ir/article_20480.html
- فاضلیان، سیدمحسن و قاسمی، محمدرضا (۱۳۹۲). بررسی ویژگیهای فضاهای اجتماعی مناسب در ایجاد حس تعلق به محله (مورد مطالعه: منطقه ۲ شهرداری تهران). مطالعات مدیریت شهری، تهران، دوره ۵، شماره ۴ (پیاپی ۱۶)، ۶۱-۵۱.

https://ums.srbiau.ac.ir/article_6446.html

- فلاحت، محمدصادق (۱۳۸۴). *نقش طرح کالبدی در حس مکان مسکن*. نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۲، ۵۷-۶۶.
<http://ensani.ir/fa/article/14041>
- فرهادی‌خواه، حسین؛ سیدعلی پور، سیدخلیل؛ زیاری، کرامت اله و اندرز، امید (۱۳۹۸). *بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و احساس امنیت در بافت فرسوده*، نشریه انتظام اجتماعی، دوره ۱۱، شماره ۳، ۴۵-۶۶.
<https://www.sid.ir/paper/187345/fa>
- قاسمی، وحید؛ طاهری، زهرا و مهربانی، مرضیه (۱۳۹۲). *تبیین رفاه اجتماعی و تأثیر آن بر احساس امنیت (مطالعه موردی شهر اصفهان)*. فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، دوره ۵، شماره ۱۷، ۱۳۱-۱۷۶.
https://qjds.atu.ac.ir/article_3228.html
- کاشانی‌جو، خشایار (۱۳۸۹). *بازشناخت رویکردهای نظری به فضاهای عمومی شهر*. مجله هویت شهر، دوره ۴، شماره ۶، ۹۵-۱۰۶.
<https://www.sid.ir/paper/154510/fa>
- کاملی، محسن و عظمتی، حمیدرضا (۱۴۰۰). *بررسی میزان ارتباط حس تعلق به مکان و سطح امنیت اجتماعی شهروندان، مطالعه موردی: شهر قم*. نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیا، سال ۲۱، شماره ۶۱، ۲۴۱-۲۵۸.
<http://ensani.ir/fa/article/459422>
- کاویانی، ایرج و پورقهرمانی، بابک (۱۳۹۵). *عوامل مؤثر بر ترس از جرم در مناطق حاشیه ای جنوب شهر تبریز*. فصلنامه انتظام اجتماعی، ۸(۴)، ۳۲-۷.
<http://ensani.ir/fa/article/394950>
- کرم زاده، اسماعیل و عرفانی، سهراب (۱۳۹۶). *الگوی تعامل پلیس و رسانه های ارتباط جمعی در پیشگیری از وقوع جرم و نقش آن در احساس امنیت*. فصلنامه امنیت ملی، سال ۷، شماره ۲۴، ۸۱-۱۰۶.
<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/106788/84>
- گودرزی، سعید (۱۳۹۸). *بررسی تأثیر متغیرهای اجتماعی مرتبط با پلیس بر احساس امنیت اجتماعی*، نشریه علمی انتظام اجتماعی، دوره ۱۱، شماره ۴، ۱۶۳-۱۹۰.
<https://www.magiran.com/paper/2093135>
- مسلمی، حسین و فاضلی، سیدطاهر (۱۳۹۷). *سهم سرمایه اجتماعی در تولید احساس امنیت (مورد مطالعه: شهر زنجان)*، فصلنامه پژوهشی مطالعات امنیت اجتماعی، دوره ۱۰، شماره ۵۷، ۲۷۴-۲۴۹.
<https://sid.ir/paper/203345/fa>
- مرکز آمار ایران، ۱۴۰۰.
<https://www.kashan.ir/home>
- نظری، مروارید (۱۳۹۵). *طراحی مسکن برای اقشار میان درآمد جامعه با رویکرد انعطاف پذیری در منطقه ۱۸ تهران*. تهران: پایان نامه دکتری، دانشگاه تهران.
<https://ut.ac.ir/fa>
- نعمتی‌نیا، لیلیا؛ معدنی، سعید و بابائی، محبوبه (۱۳۹۹). *پنداشت ذهنی شهروندان تهرانی از احساس ناامنی در فضاهای بی‌دفاع شهری*. مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، دوره ۹، ۱۰۳-۱۲۹.
<https://www.sid.ir/paper/962662/fa>

- وروایی، اکبر و چراغ آبادی، یوسف (۱۳۹۵). *مدیریت انتظامی در رویکرد اجتماع محوری پیشگیری از جرم (مورد مطالعه: سازمانهای غیردولتی کرمانشاه)*. فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی ۱۱(۳)، ۳۲۵-۳۴۸
<http://ensani.ir/fa/article/468198>

ب. منابع انگلیسی

- Coleman, J. S. (1988). *Social Capital in the Creation of Human Capital*. American Journal of Sociology. 94, 95-120. <https://www.jstor.org/stable/2780243>.
- Crum, Billy (2003). *Social Disorganization Theory and Crime in West Virginia*. by: Ambrose, Kenneth., Garnett, Richard., Roth, Fred., Thesis Submitted to The Graduate College of Marshall University, In Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree of Master of Arts Sociology. <https://mds.marshall.edu>.
- Deason, Hannah (2011). *Critical Analysis of Fear of Crime on College Campuses, Master of art in criminology and criminal justice*. The university of Texas at Arlington.9. <https://rc.library.uta.edu>.
- -De Donder, Liesbeth., De Witte, Nico., Buffel, Tine., Dury, Sarah., & Verté, Dominique (2012). *Social Capital and Feelings of Unsafety in Later Life: A Study on the Influence of social Networks, Place Attachment, and Civic Participation on Perceived Safety in Belgium, Research on Aging*, Volume 34, Issue4, 425 -448. <https://journals.sagepub.com/doi/10.1177/0164027511433879>
- Furedi, Frank (2007). *The only Thing we Have to Fear is the Culture of Fear Itself*. American Journal of Sociology. 32,231-234. <https://www.academia.edu>.
- Gert, Van Beek (nod). *Feeling (un) safe and (in) secure in the risk society*. [http://studies/ac084_en .pdf](http://studies/ac084_en.pdf).
- Hale, C (2009). *Fear of Crime: A Review of the Literature*. International Review of Victimology,4:79-105. <https://journals.sagepub.com>.
- Kim, S., Kang, H.(2018). *An analysis of fear of crime using multimodal measurement Seoul*. Biomedical Signal Processing and Control, 24(41),186-187. <https://www.Semanticscholar.org>.
- LaGrange, R. L., Ferraro, K. F., & Supancic, M. (1992). *Perceived risk and fear of crime: role of social and physical incivilities*. Journal of Research in Crime and Delinquency, 29 (3), 311-334. <https://psycnet.apa.org>.
- McCrea, Rod. Shyy, Tung-kai. John, Western and Robert J. Stimson. (2005). *Fear of Crime in Brisbane: Social and neighborhood factors in perspective*. Journal of Sociology, 2005 The Australian Sociology Association, Volume, 41(1),7-27. <https://journals.sagepub.com>.
- Nicholson, F. David (2010). *Disadvantaged Neighborhoods and fear of crime: Does family structure matter*. PhD dissertation, The University of Oklahoma. <https://www.ou.edu>.

- Piscitelli, Anthony ., Perrella, Andrea. M.L.2. (2017). *Fear of crime and participation in associational life*. The Social Science Journal, 54 (2), 179-190. <https://www.tandfonline.com>.
- Prechathamwong, W., Rujiprak, V. (2018). *Causal model of fear of crime among people in Bangkok*. Kasetsart Journal of Social Sciences,1-6. <https://hemeroteca.Unad.edu.com>
- Putnam, R. D., & Goss , Kristin (2002). *Introduction in Putnam (ed). Democracies in Flux*, The Evolution of Social Capital in Contemporary Society, Oxford University Press.4. <https://www.academia.edu/1390859>.
- Reid, S. T., (2000). *Crime and Criminology*. McGraw-Hill Higher Education, A Division of McGraw-Hill Companies. https://www.aspenpublishing.com_
- Renato, Miceli, Michele, Roccato & Rosalba ,Rosato (2004). *Fear of Crime in Italy spread & Determinations*, Environment and Behavior. Vol .36 No. 6, November. 788. <https://openjournals.uwaterloo.ca>.
- Rose, Dna A., Clear, Todd R., (2002). *Incarceration, Social Capital, and Crime: Implications for social Disorganization Theory*. Criminology. Beverly Hills: vol. 36, Iss. 3,441-479. <https://onlinelibrary.wiley.com>.
- Sakip, Siti-Rasidah-Md., Johari, Noraini. & Mohd-Salleh, Mohd-Najib (2012). *The Relationship between Crime Prevention through Environmental Design and Fear of Crime*.628-636. ASIA Pacific International Conference on Environment-Behavior Studies Mercure Le Sphinx Cairo Hotel, -Giza, Egypt, 31 October 2 November 2012.
- Schweitzer, J. H. et.al (1977). *The Impact of the Built Environment on Crime and Fear of Crime in Urban Neighborhoods*. Journal of Urban Technology, Vol.6, n.3,11. <https://www.tandfonline.com>.
- Tandogan, Oksan., Simsek-Ilhan. Bige (2016). *Fear of Crime in Public Spaces: From the View of Women Living in Cities*. World Multidisciplinary Civil Engineering-Architecture-Urban Planning Symposium 2016,2011. <https://www.semanticscholar.org>.
- Verma, Meghna., Manoj, M., Rodeja, Nikhita., Verma, Ashish (2017). *Service Gap Analysis of Public Buses in Bangalore With Respect to Women Safety*. World Conference on Transport Research-WCTR 2016 Shanghai. 10-15 July 2016,4322-4329. <https://trid.trb.org/view/1470827>.